

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
23 نومبر 2024

آدولف هیتلر یهودیان را قتل عام کرد بنیامین نتانیا هو هم فلسطینی ها را!

دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)، روز پنج‌شنبه ۲۱ نومبر، حکم بازداشت بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر اسرائیل، یوآو گالانت، وزیر دفاع سابق و محمد دیاب ابراهیم المصری، مشهور به محمد ضیف، فرمانده شاخه نظامی حماس را صادر کرد. بنیامین نتانیا هو و یوآو گالانت، متهم هستند که نقشی مهم در ارتکاب جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت در جنگ غزه داشته‌اند.

آیا اکنون نتانیا هو، تلاش خواهد کرد با حمله به تاسیسات اتمی جمهوری اسلامی ایران، حکم دادگاه بین‌المللی لاهه علیه خودش را کم‌رنگ نشان دهد؟ به گزارش جروزالم پست در اسرائیل، دو شرط «ضروری» و «ممکن» برای حمله به برنامه هسته‌ای ایران مهیا شده است!

آدولف هیتلر، رهبر حزب نازی، یهودیان را مقصر شکست المان در جنگ جهانی اول می‌دانست و مدعی بود که آن‌ها در جنگ از پشت به المان خنجر زده‌اند.

به محض آن‌که هیتلر در سال ۱۹۳۳ در المان به قدرت رسید، برنامه‌آزار و اذیت یهودیان آغاز شد. قانون نورنبرگ که سال ۱۹۳۵ میلادی تصویب شد، یهودیان را از بسیاری از حقوق شهروندی‌شان، محروم کرد. ماجرای هولوکاست به کل فرآیند کشتار یهودیان گفته می‌شود که در فاصله سال‌های ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ اتفاق افتاده و فقط اتاق‌های گاز و کوره‌های آدم‌سوزی نیست بلکه تیرباران جمعی، مرگ بر اثر قحطی و مرگ در مسیر سخت رسیدن به اردوگاه‌های کار اجباری را هم شامل می‌شود.

هولوکاست (Holocaust)، به معنای «سوزاندن با آتش است که به طور کامل از میان برود» و واژه‌ای است یونانی که از دو واژه Holos به معنی همه و Kaustus به معنی سوزاندن و نابود کردن ترکیب شده است و در لغت، به معنای «همه سوزی» است.

شش میلیون یهودی در طول جنگ جهانی دوم، بر اثر اعمالی از قبیل اعدام در اتاق‌های گاز و سوزانده شدن در کوره‌های آدم‌سوزی اردوگاه‌های کار اجباری نازی‌ها، کشته شده‌اند. جنایتی که تاریخ هرگز فراموش نمی‌کند! اکنون نیز جنایت نتانیا هو در نوار غزه و لبنان و نسل‌کشی و سوزاندن کودکان حتی در چادرهای آوارگی آن‌ها در بیابان‌های غزه، هرگز فراموش نخواهد شد! بیش از یک سال است که حتی شهروندان اسرائیلی نیز در اثر این جنگ آرامش ندارند و به همین دلیل، همواره بخش آزادی‌خواه و صلح‌دوست اسرائیل علیه نتان یاهو و جنگ‌طلبی

او، اعتراضات و تظاهرات‌های مختلف برگزار می‌کنند و خواهان پیگیری محاکمه شخص نتان یا هو هستند که پیش از این جنگ نیز به دادگاه احضار شده بود.



نخست وزیر اسرائیل بنیامین نتانیا هو (چپ) و وزیر دفاع پیشین یوآو

حکم جلب بین‌المللی برای نتانیا هو و گالانت صادر شد

اسرائیل بابت ایجاد قحطی و تخریب سیستم سلامت در غزه به «جنایت جنگی» و «جنایت علیه بشریت» متهم شد. اما صدور حکم دادگاه کیفری بین‌المللی ماه‌ها طول کشید. در طی این مدت یکی از سه قاضی دادگاه کیفری بین‌المللی ناگهان بیمار شد و یک پرونده آزار جنسی علیه دادستان به جریان افتاد. دادگاه کیفری بین‌المللی برای بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر اسرائیل و یوآو گالانت، وزیر دفاع سابق اسرائیل حکم جلب صادر کرده است. این افراد متهم هستند که نقشی مهم در ارتکاب جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت در جنگ غزه داشته‌اند.

هم‌زمان دادگاه کیفری بین‌المللی حکم جلب محمد دیاب المصری رهبر حماس را به اتهام جنایت‌های جنگی و جنایت علیه بشریت صادر کرده اما ارتش اسرائیل می‌گوید دیاب را کشته است. دادستان دادگاه کیفری بین‌المللی قصد داشت برای دو رهبر پیشین حماس، یحیی سنوار و اسماعیل هنیه نیز حکم جلب صادر کند اما هر دوی آن‌ها کشته شدند.

حکمی که بالاخره صادر شد

کریم خان، دادستان دادگاه کیفری بین‌المللی شش ماه و یک روز پیش یعنی در ماه مه خواهان صدور حکم جلب نتانیا هو و گالانت شده بود. به گفته دادستان شواهد قوی وجود دارد که هر دو مقام اسرائیلی در ایجاد قحطی و گرسنگی گسترده در غزه و تخریب گسترده بیمارستان‌ها مسئولیت جنائی دارند. مجموعه اقداماتی که اسرائیل در جهت ایجاد قحطی و تخریب سیستم سلامت در غزه انجام داده است، مبنائی برای اتهام‌های «جنایت جنگی» و «جنایت علیه بشریت» است.

اما صدور این احکام ماه‌ها طول کشید. در طی این مدت یکی از سه قاضی دادگاه کیفری بین‌المللی ناگهان بیمار شد و جایش را با یکی دیگر از قضات دادگاه بین‌المللی کیفری عوض کرد. کریم خان، دادستان دادگاه نیز به سوء رفتار جنسی متهم شد و پرونده‌ای علیه او به جریان افتاده است. همه این رویدادها باعث شد که صدور حکم دادگاه بین‌المللی در شرایط اضطراری غزه و با وجود «وقوع محتمل نسل‌کشی» به تعویق بیفتد. برخی کارشناسان و ناظران گمانه‌زنی می‌کردند که حکم اخیر هیچگاه صادر نشود.

امریکا پیش‌تر از صدور حکم جلب ولادیمیر پوتین و سایر مقامات دولت روسیه به اتهام جنایت‌های جنگی در اوکراین استقبال کرده بود، اما صدور حکم همین دادگاه علیه نتانیا هو و گالانت را محکوم کرده است. تناقض عملکرد امریکا نسبت با این دو وضعیت موجب شده است که دولت بایدن از سوی بسیاری کشورهای عضو سازمان ملل به داشتن استاندارد دوگانه متهم شود.

اهمیت احکام جلب در چیست؟

صدور حکم جلب برای بالاترین مقام دولت اسرائیل اهمیت نمادین زیادی دارد. این اولین بار است که رهبر یک کشور متحد غرب چنین حکمی دریافت می‌کند.

احکام جلب برای نتانیا هو و گالانت به لحاظ عملی نیز باعث کاهش آزادی آن‌ها در انجام سفرهای خارجی می‌شود. برخی کشورها پیش از این احکام جلب دادگاه بین‌المللی را نادیده گرفته‌اند اما هر کشوری که اساسنامه ۱۹۹۸ رم را امضا کرده یا عضو دادگاه کیفری بین‌المللی باشد، ممکن است این احکام را اجرا کند. اما این احکام می‌تواند بر رابطه تجاری و به خصوص تجارت اسلحه بین کشورهای غربی و اسرائیل نیز تاثیر بگذارد.

نو گوردون استاد حقوق بین‌الملل در این رابطه به خبرگزاری الجزیره گفت:

«حکم دادگاه به معنای آن است که تسلیحاتی که کشورهای اروپایی به اسرائیل می‌فرستند برای انجام جنایت علیه بشریت مورد استفاده قرار می‌گیرد و آن‌ها باید تجارت تسلیحات با اسرائیل را همین امروز بازنگری کنند و بهتر بگویم از ارسال تسلیحات خودداری کنند.»

در حکم سه قاصی دادگاه بین‌المللی که به‌صورت ناشناس صادر شده، آمده است:

بر مبنای نظر این دادگاه مبانی قابل باوری وجود دارد که هر دو نفر با اراده و خواست خود جمعیت غیرنظامی در غزه را از ابزارها و وسایلی که برای بقای آن‌ها ضروری است محروم کرده‌اند. این وسایل شامل غذا، آب، درمان و تجهیزات پزشکی، سوخت و برق می‌شود.

اسرائیل حکم دادگاه را رد کرده است و جنایت جنگی در غزه را انکار می‌کند. دادگاه کیفری بین‌المللی اعلام کرده است که پذیرش یا انکار اسرائیل در این حکم تأثیری ندارد.

وزیر خارجه اسرائیل در ماه سپتامبر اعلام کرد که دو نامه قانونی در به چالش کشیدن حکم دادگاه در لاهه ثبت کرده است. اسرائیل در این نامه‌ها استدلال کرده که دادگاه به اندازه کافی فرصت نداده تا ابتدا در خود اسرائیل به این اتهامات رسیدگی و درباره‌اش تحقیق شود.

«بر مبنای نظر این دادگاه مبانی قابل باوری وجود دارد که هر دو نفر با اراده و خواست خود جمعیت غیرنظامی در غزه را از وسایلی که برای بقای آنها ضروری است محروم کرده‌اند. این وسایل شامل غذا، آب، درمان و تجهیزات پزشکی، سوخت و برق می‌شود.» (حکم قضات دادگاه بین‌المللی کیفری، ۲۱ نومبر ۲۰۲۴)

دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC) همچنین محمد ضیف، رهبر نظامی حماس، را به اتهام جنایات جنگی مربوط به جنگ غزه صادر کرد.

حکم بازداشت محمد ضیف توسط قضات دادگاه بین‌المللی کیفری نیز شامل اتهاماتی همچون «قتل جمعی»، «تجاوز جنسی»، و «گروگان‌گیری» در حملات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ است. اسرائیل پیش‌تر اعلام کرده بود ضیف در حملات کشته شده، اما این ادعا هنوز تائید نشده است. صدور این حکم‌ها یک نقطه عطف در حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود، اما اجرا و احترام به این احکام نیازمند همکاری جامعه جهانی است. در حالی که کشورهای حامی اسرائیل،

از جمله ایالات متحده، فشارهایی بر دیوان وارد می‌کنند، این حکم‌ها می‌توانند به تقویت فشارها برای پایان دادن به اشغال‌گری اسرائیل و برقراری آتش‌بس در غزه منجر شوند.

صدور حکم جلب برای نتانیاهو و گالانت در اسرائیل با واکنش‌های اعتراضی زیادی از سوی مقامات مواجه شده است. بعد از اعلام صدور حکم، قضات و دادستان‌دادگاه کیفری در لاهه تقریباً بلافاصله به «یهودستیزی» و نفرت از «قوم یهود» متهم شدند.

دفتر بنیامین نتانیاهو نیز در بیانیه‌ای، مدعی شد که حکم دادگاه بین‌المللی کیفری یهودستیزانه است و قضات دادگاه «دچار تعصب» هستند و تصمیم آن‌ها بر اساس «نفرت یهودستیزانه علیه اسرائیل» اتخاذ شده است.

فعالان ضد جنگ و آپارتاید در غرب در ماه‌های اغلب به یهودستیزی متهم شده‌اند. این اتهام همچنین مبنای بازداشت بسیاری از فعالان سیاسی ضد جنگ در غرب، محرومیت آن‌ها از کار، تحصیل و برخی دیگر از حقوق شهروندی شان بوده است.

در بیانیه دفتر نتانیاهو، همچنین آمده است که دادستان برای «نجات خودش از اتهام‌های جدی آزار جنسی» اتهام‌های جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت را علیه اسرائیل مطرح کرده است.

یکی از رسانه‌های محلی هالند محل استقرار دادگاه کیفری بین‌المللی از صحن مجلس این کشور گزارش داد که نخست‌وزیر در دیدار با نمایندگان گفته که نتانیاهو در صورت ورود به خاک هالند بابت حکم جلب صادرشده از سوی دادگاه کیفری دستگیر خواهد شد. او گفته است که کشورش از هر گونه تماس «غیرضروری» با نتانیاهو، گالانت و دیب اجتناب می‌کند و اساسنامه رم را ۱۰۰ درصد اجرا خواهد کرد.

سیمون هریس، نخست‌وزیر ایرلند تصمیم دادگاه کیفری بین‌المللی را قدمی بسیار مهم توصیف کرد. او در بیانیه‌ای گفت: «تصمیم بسیار مهمی اتخاذ شده است، اتهام‌های بسیار جدی مطرح شده است.»

سخن‌گوی وزیر امور خارجه فرانسه نیز گفته است که واکنش کشورش در راستای اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی خواهد بود. کریستوف لمون در پاسخ به این سؤال که آیا فرانسه حاضر است نتانیاهو را بازداشت کند گفت که این سؤال به لحاظ حقوقی پیچیده است و امروز نمی‌توان به آن پاسخ داد.

جوزف بورل وزیر امور خارجه اتحادیه اروپا گفت که تصمیم برای صدور حکم جلب نتانیاهو و گالانت «سیاسی نیست» و باید به تصمیم دادگاه «احترام گذاشت و آن را اجرا کرد.» او در شبکه اجتماعی ایکس نوشت این تصمیم دادگاه کیفری بین‌المللی «برای همه کشورهای اروپائی» که عضو اساسنامه رم هستند «الزام‌آور» است.

در مقابل، کاخ سفید گفته است که تصمیم دادگاه کیفری را اساساً رد می‌کند. در بیانیه‌ای که سخن‌گوی شورای امنیت ملی ایالات متحده منتشر کرده آمده است: «ما عمیقاً از عجله دادستان برای صدور حکم جلب و خطاهای ناراحت‌کننده در جریان اتخاذ این تصمیم نگرانیم.»

امریکا عضو اساسنامه رم نیست و در نتیجه ملزم به اجرای احکام این دادگاه نمی‌شود. با این حال استقبال امریکا از حکم پیشین دادگاه کیفری علیه پوتین و مقامات روسیه باعث شده است که واکنش امروز این کشور متناقض و مبتنی بر استاندارد دوگانه تلقی شود. مایک والتز نماینده کنگره و گزینه ترامپ برای مشاور امنیت ملی تصمیم دادگاه را محکوم کرده است و گفته است که دولت ترامپ در ژانویه به دادگاه کیفری بین‌المللی و سازمان ملل «پاسخ سختی» خواهد داد.

دولت بایدن در سال ۲۰۲۱ تحریم‌ها علیه مقامات دادگاه کیفری بین‌المللی را که ترامپ پیش از آن اعمال کرده بود، لغو کرد. ترامپ در روز ۲۰ ژانویه بار دیگر به‌عنوان رئیس‌جمهور قسم خواهد خورد. حزب او هم‌زمان اکثریت کنگره و سنا را خواهد داشت که قدرت زیادی به رئیس‌جمهور آینده اعطا خواهد کرد.

نتانیا‌هو، گالانت و ضیف به اتهام جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت در غزه از تاریخ ۸ اکتبر ۲۰۲۳ تا ۲۰ مه ۲۰۲۴ تحت تعقیب قرار گرفته‌اند. قضات دیوان اعلام کرده‌اند دلایل منطقی وجود دارد که این افراد به‌عنوان همدستان در جنایاتی همچون «استفاده از گرسنگی به‌عنوان روش جنگ»، «قتل»، «آزار و اذیت»، و «اعمال غیرانسانی دیگر» مسئولیت کیفری دارند.

این حکم‌ها به این معناست که نتانیا‌هو و گالانت نمی‌توانند به بیش از ۱۲۰ کشوری که صلاحیت دیوان را به رسمیت می‌شناسند، سفر کنند. این کشورها شامل اعضای اتحادیه اروپا، بریتانیا، استرالیا، کانادا، چین و ژاپن هستند. همچنین، تمامی اسرائیلی‌هایی که در جنگ غزه شرکت داشته‌اند، ممکن است با حکم‌های مشابه مواجه شوند. این نخستین بار است که رهبران یک کشور همسو با غرب توسط این دادگاه متهم می‌شوند. این تصمیم به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین اقدامات در تاریخ ۲۲ ساله این دادگاه شناخته می‌شود.

حکم دادگاه شامل اتهامات جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت است. نتانیا‌هو و گالانت متهم به «استفاده از گرسنگی به‌عنوان روشی برای جنگ»، «قتل»، «آزار و اذیت» و «اعمال غیرانسانی دیگر» شده‌اند.

اما اسرائیل صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی را رد کرده است، اما دادگاه تاکید کرده که فلسطین از سال ۲۰۱۵ عضو این نهاد است و بنابراین نیازی به تأیید اسرائیل برای تحقیقات ندارد.

این حکم در زمانی صادر شده که فشارهای بین‌المللی برای آتش‌بس بین اسرائیل و حماس افزایش یافته است. با این حال، ممکن است این تصمیم در کوتاه‌مدت موقعیت سیاسی نتانیا‌هو را در اسرائیل تقویت کند، زیرا بسیاری از اسرائیلی‌ها این حکم را دخالت در امور داخلی کشورشان می‌دانند.



وتوی قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل متحد که خواستار آتش‌بس در غزه بود

ایالات متحده روز چهارشنبه ۲۰ نومبر ۲۰۲۴، با وتوی قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل متحد که خواستار آتش‌بس در غزه بود، انتقادهایی را از سوی اعضای سازمان ملل از جمله چین فرانسه و مالت برانگیخت. این قطع‌نامه که توسط ۱۰ عضو غیردائم شورا پیشنهاد شده بود، خواستار «آتش‌بس فوری، بی‌قید و شرط و دائمی» در جنگ ۱۳ ماهه میان اسرائیل و حماس و همچنین آزادی گروگان‌ها بود.

به گزارش رویترز، در این رای‌گیری تنها امریکا مخالفت کرد و از حق وتوی خود به‌عنوان عضو دائم شورا استفاده کرد تا مانع تصویب قطع‌نامه شود.

حملات اسرائیل به غزه تاکنون جان نزدیک به ۴۴ هزار نفر را گرفته و تقریباً تمامی جمعیت ۲/۳ میلیونی این منطقه را حداقل یک بار آواره کرده است. این حملات در پاسخ به حمله حماس در تاریخ ۷ اکتبر ۲۰۲۳ انجام شد که به گفته اسرائیل، طی آن ۱۲۰۰ نفر در اسرائیل کشته و بیش از ۲۵۰ نفر به گروگان گرفته شدند.

متخصصان امنیت غذایی هشدار داده‌اند که قحطی در میان مردم غزه قریب‌الوقوع است.

نماینده مالت در سازمان ملل، ونسا فریزر، پس از رای‌گیری اظهار داشت: «بسیار تأسف‌بار است که این شورا بار دیگر به دلیل استفاده از حق وتو نتوانست به مسئولیت خود در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی عمل کند.» او افزود که متن این قطع‌نامه «حداقل مورد نیاز برای رسیدگی به وضعیت وخیم در زمین» بود.

سفیر چین در سازمان ملل، فو کانگ، با انتقاد شدید از وتوی امریکا گفت: «اصرار بر تعیین پیش‌شرط برای آتش بس به معنای چراغ سبز دادن به ادامه جنگ و تأیید کشتار است.» او همچنین تأکید کرد که با هر بار وتوی امریکا، تعداد کشته‌ها در غزه افزایش یافته است.

دانی دانون، سفیر اسرائیل در سازمان ملل، پیش از رای‌گیری گفت: «این قطع‌نامه برای صلح نیست، بلکه برای خشنود کردن حماس است.» او تأکید کرد: «تاریخ به یاد خواهد داشت که چه کسانی در کنار گروگان‌ها ایستادند و چه کسانی آن‌ها را رها کردند.»

فرانسه که هنوز دو گروگان در غزه دارد، از عدم تصویب قطع‌نامه ابراز تأسف کرد. نیکولاس دو ریویر، سفیر فرانسه در سازمان ملل، گفت که این قطع‌نامه به صراحت خواستار آزادی گروگان‌ها شده بود و پاریس از وتوی آن ناامید است.

جو بایدن، رئیس‌جمهور امریکا که در تاریخ ۲۰ ژانویه از قدرت کنار می‌رود، حمایت دیپلماتیک قوی از اسرائیل ارائه داده و همچنان به ارسال تسلیحات برای جنگ ادامه می‌دهد. اما تلاش‌های او برای میانجی‌گری در توافق آتش بس میان اسرائیل و حماس که شامل آزادی گروگان‌ها در ازای زندانیان فلسطینی باشد، تاکنون بی‌نتیجه مانده است.

با وتوی این قطع‌نامه، چشم‌انداز دستیابی به یک آتش‌بس فوری در غزه پیچیده‌تر شده است. در حالی که امریکا بر لزوم آزادی گروگان‌ها تأکید دارد، سایر اعضای شورا معتقدند که توقف جنگ باید بدون پیش‌شرط باشد.

بنامین نتان یاهو، بلافاصله حمله ۷ اکتبر سال ۲۰۲۳ به شهرک‌های مرزی اسرائیل و کشتن و گروگان‌گرفتن تعدادی از اسرائیلی‌ها، حملات هوایی را به نوار غزه آغاز کرد.

اکنون با گذشت بیش از یک سال از حملات هوایی و زمینی ارتش اسرائیل به مردم بی‌دفاع نوار غزه، کشتار مردم غزه در بیابان و چادرها همچنان ادامه دارد.

اسرائیلی‌ها در غزه، فقط مرتکب کشتار نمی‌شوند، تاریخ فلسطین و غزه را هم نابود می‌کنند. آن‌ها مدارس، بیمارستان‌ها، موزه‌ها، اماکن باستانی، اماکن مذهبی، اماکن عمومی، مدارس و دانشگاه‌ها، منابع آب و برق را با بمباران و توپ و مواد منفجره تخریب و با خاک یکسان کرده‌اند. دولت اسرائیل نمی‌خواهد که هیچ پیوند تاریخی بین این سرزمین و فلسطینی‌ها باقی بماند.

نتانیاها و دولت راست افراطی او دست‌کمی از هیتلر و دولت فاشیست المان هیتلری ندارند. سلاح مجازات جمعی فلسطینی‌ها، تفاوت چندانی با مجازات جمعی یهودی‌ها در جنگ دوم جهانی ندارد. نسل‌کشی امروز انسان فلسطینی با نسل‌کشی دیروزی یهودیان ندارد. دولت‌های اسرائیل بیش از ۷۰ سال است که از هر بهانه‌ای برای اجرای نسل‌کشی

سیاسی فلسطینی‌ها استفاده می‌کند. مردم جهان این کشتارها، این «نسل‌کشی‌ها» و این «سلاخی‌ها» و «ویرانی‌ها» را می‌بینند اما نه تنها هیچ اعتراض جدی از دولت‌های جهان علیه این اعمال غیرانسانی و وحشیانه دولت اسرائیل نشان نمی‌دهد بلکه اغلب دولت‌های غربی و در راس همه دولت امریکا، از این نسل‌کشی و جنایت دولت و ارتش اسرائیل حمایت می‌کنند و به آن‌ها پول و سلاح لازم را می‌رسانند تا به جنگ خود ادامه دهند؛ به طوری که هفته هاست اسرائیل همان رفتاری را که با مردم غزه داشته با مردم لبنان در پیش گرفته است. این دولت‌ها جرئت برزبان آوردن عبارت «نسل‌کشی» را ندارند و حتی تاکنون هرگونه پیشنهاد قطع جنگ خونین اسرائیل علیه مردم فلسطین را در سازمان ملل وتو کرده‌اند. درحالی که در یوگسلاوی سابق و بیرمانی، سازمان ملل نسل‌کشی را به رسمیت شناخته بود ولی در فلسطین حرفی از نسل‌کشی زده نمی‌شود چون عوامل آن دولت اسرائیل است.

بنیامین نتانیا هو، نخست وزیر اسرائیل به سرعت اعلام کرد که کاربرد زور را بر انجام گفت‌وگو برای آزادسازی گروگان‌های اسرائیلی ترجیح می‌دهد: «این نه به معنای پایان جنگ در غزه، بلکه به معنای آغاز پایان آن است.» طرف دیگر هم از زبان خالد الحیا، عضو دفتر سیاسی حماس و رئیس هیئت نمایندگی فلسطین در زمان انجام مذاکرات، تصریح کرد که بدون برقراری آتش‌بس و عقب‌نشینی ارتش اسرائیل از نوار غزه و آزادی زندانیان فلسطینی، آزادی گروگان‌ها در کار نخواهد بود.

برای هر دو طرف، مسأله بقای سیاسی مطرح است نه مردم. با گذر زمان، این ریشه دوانی نظامی به خصوص می‌تواند موجب استقرار شهرک‌های یهودی‌نشین شود. از ماه‌ها قبل، همایش‌های بسیاری در اسرائیل برای توصیه به ساخت مجتمع‌های کشاورزی، به ویژه در شمال نوار غزه، پس از «تصفیه و پاکسازی» منطقه برگزار می‌شود. آخرین همایش از این نوع، به ابتکار حزب «لیکود» در ۲۱ اکتبر برگزار شد. به نظر می‌آید که این روند با تخلیه کامل ساکنان شمال غزه تسریع شود. این امر توسط برنامه «نظم و پاکسازی» که گاه نیز «طرح ژنرال‌ها» یا حتی «طرح آیلند» - به نام ژنرالی که آن را طراحی نموده - نامیده می‌شود تدوین شده است.

با آن که عملی شدن این طرح توسط ستاد کل همچنان نامعلوم است، تحقیق یک رسانه اسرائیلی (972+) (Magazine) محورهای اصلی و هدف آن را افشاء نموده است. هدف این است که یک «شکست کامل» به حماس تحمیل و بعد روند «میان‌رو سازی» آن اجرا شود. تخلیه حدود ۳۰۰ هزار تنی که هنوز در شمال راهرو «نتزاریم» سکونت دارند، می‌باید امکان برقراری یک محاصره سخت‌گیرانه را پدید آورد. در این جهت، در ۶ اکتبر دستوری هم انتشار یافت. مرحله دوم عبارت از به تله کشیدن جنگجویان حماس در «مناطق نظامی بسته» و واداشتن آن‌ها به تسلیم شدن زیر فشار گرسنگی و قحطی است اگرچه این امر می‌تواند به زیان گروگان‌هایی باشد که در این مناطق نگهدار می‌شوند. کاربرد این راهبرد هم اکنون در منطقه و اردوگاه پناهندگان جبالییا که از ۱۲ اکتبر تحت محاصره است دیده می‌شود.

به موازات این امر، انتقال اداره کرانه غربی رود اردن توسط ارتش اسرائیل به عنوان نیروی اشغال‌گر، به وزارت دارائی بتسالل اسموتریچ و نمایندگان شهرک‌نشینان ادامه دارد. این امر باعث تسهیل بیش‌تر شهرک‌سازی‌ها شده و منجر به یک الحاق غیررسمی می‌گردد. در ۳ ژوئیه، دولت اسرائیل تصاحب ۱۳ کیلومتر مربع از زمین‌های واقع در دره اردن در ساحل غربی را تصویب کرد که این مهم‌ترین مصادره انجام شده توسط اسرائیل از سال ۱۹۹۳ در این سرزمین فلسطینی اشغال شده بوده است.

تقویت این سیاست استعماری و سرکوبگر به نتانیا هو امکان می‌دهد که ائتلاف خود را تحکیم نموده و در کنار آن رهبران حماس و حزب‌الله را حذف و موضع خود را در برابر رای‌دهندگان تقویت نماید و به هدف‌های دیگری نیز

دست یابد. نظرسنجی‌های بسیاری این را تأیید می‌کند که نخست وزیر اسرائیل توانسته عدم محبوبیت خود را جبران نموده و اکنون بنابر بسیاری از نظرسنجی‌ها در صدر قرار گیرد.

اپوزیسیون هم با برگزاری تظاهرات همچنان به دولت فشار وارد می‌کند. پس از آن که ۲ تن از چهره‌های آن از عضویت در هیئت دولت جنگی کنارگیری کردند، این هیئت در ۱۷ ژوئن توسط رئیس کنونی دولت منحل شد. با حمایت بسیاری از ژنرال‌ها، بنی گانتس و گادی آیزنکوت به نتانیاهو ایراد می‌گیرند که برنامه‌ای برای پس از جنگ ندارد و در راه گفت‌وگوها برای آزادسازی گروگان‌ها هم مانع‌تراشی می‌کند. در موارد متعدد و لحظه‌های حساس و حیاتی، نخست وزیر در روند گفت‌وگوها مداخله نموده و تسلیم متحدان راست افراطی خود می‌شود که تهدید می‌کنند در صورت امضای توافق آتش‌بس، ائتلاف دولتی را از هم بپاشند.

به‌علاوه، کنار نهادن عناصر فاشیستی که کنترل بسیاری از وزارتخانه‌های کلیدی از جمله امنیت ملی را در دست دارند، به نظام تبعیض نژادی تحمیل شده به فلسطینی‌ها پایان نخواهد داد، به غیر از بنی گانتس ملی‌گرا، یائیر لاپید نیز به‌حضور یک اپوزیسیون صهیونیست غیرمذهبی و لیبرال در دولت ادامه می‌دهد، اپوزیسیونی که در عین حال شهرک‌سازی‌ها را توجیه می‌کند و از «سرزمین مقدس» سخن می‌گوید. (LCI، ۶ نومبر ۲۰۲۳) بدتر از این، در مطلبی که در روزنامه «هارتس» منتشر شد، این مطرح گردید که «نوعی از حاکمیت برای فلسطینی‌ها در نظر گرفته شود، مشروط به آن که آن‌ها ثابت کنند به اندازه سوئیسی‌ها نرم و مطیع، به قدر هالندی‌ها صلح‌جو و به اندازه استرالیایی‌ها آرام هستند.» به عبارت دیگر، انفعال و سلب حقوق خود را بپذیرند.

بی‌تردید، راهبرد بنیامین نتانیاهو در خرید وقت و تسلیم نشدن در برابر فشارها ثمربخش بوده است. این ثمربخشی حتی می‌تواند در صورت تغییر قدرت در ایالات متحده و بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، از حدی که او انتظار دارد هم بیشتر شود. نخست وزیر اسرائیل امیدوار است بتواند پیوند اتحاد تاریخی‌ای ایجاد کند که به او امکان دهد مسأله فلسطین را از برنامه دیپلوماتیک حذف و ضربات متعدد دیگری از نوع استقرار سفارت امریکا در بیت المقدس یا قطع تامین مالی «آژانس امدادسانی سازمان ملل متحد برای پناهندگان فلسطینی» (Unrwa) به آن وارد کند.

در چنین وضعیتی، جامعه بین‌المللی در برابر تصاویر کودکان تکه‌پاره شده و مدفون در زیر آوارهای خانه‌هایشان و زیر چادرها و بیمارستان‌ها بر اثر بمباران با بمب‌های دو تئوی چیزی نمی‌گوید.

اسرائیل اجازه نمی‌دهد مواد غذایی، خدمات درمانی و امدادی به جنگ‌زدگان و آوارگان و کودکان فلسطینی در غزه برسد. این وضعیت عدم وجود زندگی است. خانواده‌هایی کامل در بمباران خانه‌هایشان کشته شده‌اند و آن‌هایی که بر اثر بمباران کشته نمی‌شوند، با گرسنگی و بیماری می‌میرند. آن‌ها می‌گویند «ما توسط یک دستگاه جنگی بیرحم نابود می‌شویم و این حس که همه به ما نگاه می‌کنند و کسی هم نمی‌جنبند... «آزارمان می‌دهد.» این حس انسان نبودن است. چرا این همه کوچک و بزرگ و پیر و جوان در مقابل چشم‌های دنیایی که مدعی نمایندگی کردن دموکراسی، آزادی و حقوق انسانی است، تحمل‌پذیر نیست. دنیایی که حقوق بشر، حقوق زنان، حقوق کودکان و حتی حقوق حیوانات و محیط زیست از زبانش نمی‌افتد.

آن هم در حالی که دنیا به یک دهکده کوچک تبدیل شده است و با شبکه‌های اجتماعی، که همه چیز در ۲۴ ساعت شبانه‌روز به اشتراک گذاشته می‌شود، هیچ چیز مخفی نمی‌ماند. همه می‌توانند ببینند که کودکان فلسطین در نوار غزه، جان می‌دهند و پدر و مادری که فرزند بی‌سر خود یا تکه‌های پیکرش را در یک کیسه حمل می‌کند چون فقط توانسته تکه پاره‌های پراکنده آن را بیابد.

به این ترتیب، دولت اسرائیل قصد دارد دیگر پیوندی بین فلسطینی‌ها و سرزمین آن‌ها وجود نداشته باشد. از دیدگاه رهبران دولت اسرائیل، دیگر چیزی که بتوان فلسطین را امید وجود نداشته باشد.



جنگ در غزه و به‌طور کلی مسأله فلسطین و سرکوب استعمارگرانه اسرائیل همواره ابعاد منطقه ای داشته است. زمانی که اسرائیل بمباران و حمله به غزه را آغاز کرد، حزب الله در همبستگی با مردم فلسطین شروع به حملات موشکی به شمال اسرائیل نمود و پایان این حملات را مشروط به پذیرش آتش‌بس توسط نتانیا‌هو در غزه نمود. آن‌چه که در هفته‌های گذشته تغییر کرده، گسترش حملات و افزایش تنش با کشتن رهبران حزب‌الله بمنابه متحدین ایران در راستای یک جنگ بین دولت هاست. یعنی می‌تواند منجر به درگیری نظامی مستقیم بین اسرائیل و ایران بشود که امریکا با تشدید حضور نظامی خود در منطقه به نفع اسرائیل در آن شرکت دارد.

همان‌گونه که نتانیا‌هو در سخنرانی خویش در سازمان ملل گفت اسرائیل هفت جبهه گشوده دارد: نوار غزه، کرانه باختری، حزب‌الله و بطور کلی لبنان، حوثی‌ها در یمن، نیروهای شبه‌نظامی ایران در سوریه و عراق و اکنون هم خود ایران.

از نظر نظامی اسرائیل موفقیت‌های تاکتیکی داشته است. رهبران حزب‌الله را نابود کرده، حماس را تضعیف و موساد قوی‌تر شده است. اما موفقیت‌های تاکتیکی در جنگ، همیشه به پیروزی‌های استراتژیک منجر نمی‌گردد چرا که مسأله مهم این است که این پیشرفت‌ها مشکل استراتژیک اسرائیل را که راحل نظامی ندارد، حل نمی‌کنند. فلسطین از بین بردنی نیست.

اسرائیل عملیات خود علیه لبنان را در حال حاضر از طریق هوا و زمین در جنوب لبنان انجام می‌دهد که هنوز با مقاومت حزب‌الله روبروست که نشان می‌دهد که حزب‌الله هنوز قادر به جنگ است. اسرائیل و متحدین غربی‌اش به ویژه امریکا و بریتانیا پایگاه‌های حوثی‌ها در یمن را بمباران کرده‌اند.

از زمانی که ایران در پاسخ قتل نصرالله و هنیه حدود ۱۸۰ تا ۲۰۰ موشک به‌سوی اسرائیل شلیک کرد و با حملات تلافی‌جویانه اسرائیل روبرو شد. اکنون باید دید جواب احتمالی جمهوری اسلامی به اسرائیل در چه حد خواهد بود؟ آیا متحدین اسرائیل همچون امریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان و سایر نیروها را به دنبال خواهد داشت؟

در خبرها آمده است که بعد از انتخاب دونالد ترامپ به ریاست جمهوری امریکا، بحث فعلی دولت نتانیا‌هو بمباران نیروگاه‌های اتمی، ساختار انرژی، پالایشگاه نفت و گاز و غیره و مراکز نظامی ایران است. دولت بایدن که به دولت اسرائیل در مورد برخورد با ایران مشاوره می‌دهد، تاکنون تلاش داشته دولت نتانیا‌هو را از حمله به نیروگاه اتمی و پالایشگاه‌های ایران باز دارد. بیش‌تر از همه، تلاش آمریگا برای پیش‌گیری از وارد کردن خسارت به صنعت نفت است زیرا موجب بالا رفتن قیمت نفت، تشدید بحران و تاثیر آن بر اقتصاد و انتخابات ریاست جمهوری در امریکا می‌شود.

اما اکنون تردیدی نیست که سیاست نتانیاهاو با حمایت ترامپ، کشاندن امریکا به جنگ مستقیم با ایران است در حالی که کاخ سفید تاکنون از آن پرهیز کرده است.

آن گونه که تحلیل‌گران سیاسی می‌گویند، بازگشت ترامپ به کاخ سفید، «از هم گسیختگی نظم بین‌المللی» را ایجاد کرده است. اما در این میان، نه تنها قدرت‌های رقیبی مانند چین و روسیه، بلکه قدرت‌های متوسط منطقه‌ای یا متحدینی که بر سر منافع مشترک به روش خویش بازی می‌کنند را هم باید مدنظر داشت.

امروز اسرائیل کاملاً وابسته به متحد خود یعنی امریکا است که با تسلیحات و حمایت مالی و دیپلماتیک در کنارش ایستاده است حتی برای این‌که نسل‌کشی در غزه را بتواند انجام دهد. این حمایت هم‌زمان با سیاست نتانیاهاو همراه می‌شود و در جنگ‌افروزی و سیاست نسل‌کشی او علیه مردم فلسطین و هم‌گسترش این جنگ را طلب می‌کند. نتانیاهاو از خود نیویورک فرمان قتل نصرالله را صادر کرد در حالی که امریکا و فرانسه ظاهراً با نخست‌وزیر اسرائیل بر سر آتش‌بس فوری در لبنان توافق کرده بودند.

سیاست امریکا در خاورمیانه، بی‌قید و شرط و به‌طور استراتژیک با اسرائیل به‌عنوان متحدش تعیین می‌شود و فرقی ندارد که چه حزبی در اسرائیل بر سر کار باشد. این امر به نتانیاهاو کمک می‌کند بدون ترس از مجازات، سیاست جنگی خود را در هماهنگی چه با احزاب مذهبی و چه با احزاب مدافع شهرک‌سازی در اسرائیل تا بی‌نهایت گسترش دهد. و امریکا را به‌سوی حمایت از تمامی اقدامات اسرائیل وادارد. اکنون ترامپ به مراتب بیشتر از بایدن در کنار اسرائیل می‌ایستد.

نتانیاهاو و همه راست‌های افراطی، علناً اعلام کرده‌اند که برنامه‌شان بیرون راندن مردم فلسطین از نوار غزه به کشور مصر و هم به کرانه باختری است تا سیاست استعماری خود را پیش ببرد. نابودی نوار غزه هم در این راستا انجام می‌شود. زندگی در آنجا عملاً ناممکن است. دیگر امکان عمومی، کارخانه، بیمارستان، مدرسه، دانشگاه، خانه، مواد غذایی و آب و دارو ندارند. وزرای اسرائیل به‌طور آشکاری اطلاعیه‌های فاشیستی صادر می‌کنند که در آن نابودی مردم عادی از طریق جنگ و گرسنگی را تجویز می‌کنند. برنامه‌شان این است که هرچه بیشتر مناطق فلسطینی را به اسرائیل ملحق کنند و استعمار را به جنوب لبنان گسترش دهند. این نقشه را نتانیاهاو به سازمان ملل هم ارائه داد. او در آنجا نقشه معروف «نفرین» و «برکت» را در «اسرائیل بزرگ» نشان داد که مناطق فلسطینی در آن وجود خارجی ندارند و آن‌هم در خاورمیانه که تا حدی با «پیمان ابراهیم» مطابقت دارد؛ پیمانی که در زمان ریاست جمهوری ترامپ منعقد گردیده بود.

دولت اسرائیل و فرماندهان نظامی اسرائیل پس از ۱۲ ماه ویران‌گری در نوار غزه یک «پروزی کامل» یعنی «نابودی نهائی حماس» را یک هدف غیرواقعی اعلام کردند. اسرائیل در سال ۱۹۸۲ وارد لبنان شد و ۱۸ سال در آنجا ماند. سپس در سال ۲۰۰۶ یک شکست سیاسی خورد که باعث تقویت حزب‌الله شد.

استراتژی جمهوری اسلامی ایران، خودداری از درگیری نظامی مستقیم با اسرائیل و از این طریق با امریکا است. به این دلیل نیروی به اصطلاح «محور مقاومت» یعنی یک اتحاد دفاعی با تاکتیک و استراتژی را پایه گذاشت که حزب‌الله مهم‌ترین‌شان است. اکنون این نیروها تضعیف شده و درگیری مقطعی هم بین اسرائیل و ایران صورت گرفته است و وضعیت به‌شدت بغرنج و پیچیده‌تر از گذشته شده است.

علی فدوی، جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران روز یکشنبه ۱۳ آبان-۳ نومبر) در دانشگاه شریف و در جمع خبرنگاران درباره زمان عملیات پاسخ به اسرائیل، موسوم به «وعده صادق ۳» گفت: «درباره جزئیات آن نمی‌توان اظهار نظر کرد، اما حتماً انجام خواهد شد.»

او پیش‌تر نیز در گفت‌وگو با شبکه لبنانی «المیادین» تاکید کرده بود که پاسخ جمهوری اسلامی به حمله اسرائیل «قطعی و اجتناب‌ناپذیر» است.

حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران هفته گذشته اسرائیل را تهدید کرده و گفته بود که این کشور، «این بار هم دست به خطا زد، پاسخ آن را به شکل غیرقابل تصویری خواهید چشید».

علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی نیز شنبه ۱۲ آبان-۲ نومبر، بار دیگر امریکا و اسرائیل را تهدید کرد و گفت، این کشورها باید منتظر «پاسخی قاطع و دندان‌شکن» از سوی ایران باشند.

اکنون شرایط داخلی هم برای جمهوری اسلامی ایران بسیار پیچیده است به طوری که پایگاه‌اش را از دست داده و به دلیل شرایط اقتصادی همواره با اعتراضات گسترده روبروست که با وحشیانه‌ترین شکل آن‌ها را سرکوب می‌کند.

بلوک بین روسیه و چین که کره شمالی و ایران را نیز می‌توان جزو آن محسوب کرد بدون شک در سطح همکاری‌های نظامی، برقرار شده است. این هم واقعیت است که امریکا با منافع این بلوک مخالف است. اما اکنون احتمال دارد ترامپ جنگ بین روسیه و اوکراین را سرهم بیاورد اما جنگ خاورمیانه بسیار پیچیده است و آن رابطه‌ای که ترامپ با پوتین رئیس جمهوری روسیه و زلنسکی رئیس جمهوری اوکراین دارد با جمهوری اسلامی ایران و نیروهای وابسته به آن ندارد.

وزارت بهداشت غزه روز دوشنبه ۲۸ آبان ۱۴۰۳، آمار جدید جان‌باختگان و مجروحان را اعلام کرد. وزارت بهداشت فلسطین در غزه اعلام کرد، شمار قربانیان جنایات دولت اسرائیل در نوار غزه از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ تا به امروز به ۴۳ هزار و ۹۲۲ جان‌باخته و ۱۰۳ هزار و ۸۹۸ زخمی رسیده است. این آمار، نتیجه ۴۰۹ روز جنگ نسل‌کشی دولت اسرائیل در غزه است.

این وزارتخانه همچنین اعلام کرد، دولت اسرائیل در ۲۴ ساعت گذشته مرتکب چهار کشتار علیه خانواده‌های فلسطینی در نوار غزه شده و در نتیجه این حملات ۷۶ نفر جان‌باخته و ۱۵۸ نفر زخمی شدند.

وزارت بهداشت فلسطین در غزه، همچنین تاکید کرد که تعدادی از قربانیان زیر آوار هستند و اورژانس و دفاع مدنی قادر به پیدا کردن اجساد آن‌ها نیستند.

در همین راستا، منابع خبری از افزایش تیراندازی‌ها توسط تانک‌های ارتش اسرائیل به سمت چادر آوارگان در منطقه «المواصی» در غرب شهر رفح خبر دادند.

ارتش اسرائیل هم‌زمان با ارتکاب جنایت هولناک در مناطق مختلف نوار غزه به تشدید عملیات نظامی خود در شمال این باریکه ادامه می‌دهد و بیش از ۴۰ روز است که با اجرای طرحی که به «طرح ژنرال‌ها» معروف شده، مناطق مختلف شمال نوار غزه در محاصره هستند.

در همین راستا، سازمان دیده‌بان حقوق بشر اعلام کرد دولت اسرائیل از کوچ اجباری و گرسنگی به‌عنوان سلاح جنگی در نوار غزه استفاده می‌کند.

از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون، تل‌آویو میلیاردها دلار تجهیزات نظامی مختلف از امریکا دریافت کرده است. براساس اعلام وزارت جنگ دولت اسرائیل، این تجهیزات شامل ناوگان جدید جنگنده‌های اف-۳۵، تانک، موتور خودروهای زرهی، خودروهای جنگی و هزاران تُن تجهیزات نظامی دیگر می‌شود.

دولت اسرائیل با حمایت امریکا و کشورهای اروپایی همچون انگلیس، با نادیده گرفتن ۲ قطع‌نامه شورای امنیت برای متوقف کردن فوری حملاتش به نوار غزه و نیز دستورالعمل‌های دیوان بین‌المللی دادگستری درباره لزوم اتخاذ تدابیری برای جلوگیری از نسل‌کشی و تلاش برای بهبود شرایط انسانی در غزه، به حملات خود ادامه می‌دهد.



«کودکان غزه چیزهایی دیده‌اند که هیچ کودکی هرگز نباید ببیند»

راشل کامینگز، متخصص بهداشت در سازمان نجات کودکان (Save the Children) گفت که کشته شدن ۵۰ کودک در غزه طی ۴۸ ساعت گذشته نشان‌دهنده «شدت این درگیری و جنگ علیه کودکان» است. او که در دیرالبلح به سر می‌برد به شبکه الجزیره گفت که حمله روز شنبه اسرائیل به مرکز واکسیناسیون فلج اطفال تأثیری «زنجیره‌ای» بر اعتماد مادران خواهد داشت، زیرا آن‌ها به سختی می‌توانند به ایمنی فرزندانشان هنگام واکسیناسیون اعتماد کنند. این مقام پزشکی افزود: ۲۰ هزار کودک طی سال گذشته در غزه مفقود شده یا بدون همراه مانده‌اند و ۱۴ هزار کودک دیگر نیز کشته شده‌اند.

راشل کامینگز گفت بدون آموزش رسمی، با جابجایی‌های مداوم و زندگی زیر سایه بمباران، «حس طبیعی و ثبات از کودکان ربوده شده است. مجبور شده‌اند نقش‌هایی را در محیط خانوادگی به‌عهده بگیرند که مناسب آن‌ها نیست. آن‌ها به نقش‌های مراقبتی مشغول می‌شوند، مجبورند آب بیاورند و به دنبال غذا بگردند.» او تأکید کرد: «کودکان چیزهایی دیده‌اند که هیچ کودکی نباید هرگز ببیند.»

حمله اسرائیل به یک مرکز واکسیناسیون فلج اطفال

با وجود آن‌که پیشتر طرف‌های درگیر توافق کرده بودند برای اجرای کمپین واکسیناسیون که مدت‌ها به تأخیر افتاده بود به وقفه‌ای در درگیری‌های نظامی پای‌بند بمانند، سازمان بهداشت جهانی (WHO) گزارش داده است که نیروهای اسرائیلی با شلیک نارنجک صوتی در مرکز واکسیناسیون فلج اطفال در شهر غزه، حداقل چهار کودک را زخمی کرده‌اند.

مقام‌های فلسطینی هم گفته‌اند که یک حمله پهبادی اسرائیل به یک کلینیک در شمال غزه، جایی که کودکان در حال دریافت واکسن فلج اطفال بودند، منجر به زخمی شدن شش نفر از جمله چهار کودک شده است. دکتر منیر البورش، مدیر کل وزارت بهداشت غزه، به خبرگزاری آسوشیتد پرس گفته که یک پهباد کوچک کلینیک شیخ رضوان در شهر غزه را در بعدازظهر روز شنبه و تنها چند دقیقه پس از این‌که هیأت سازمان ملل این مرکز بهداشتی را ترک کرده‌اند، مورد هدف قرار داده است.

هم سازمان بهداشت جهانی و هم یونیسف از این گزارش‌ها ابراز نگرانی کردند. روزالیا بولن، سخنگوی یونیسف گفت: «گزارش این حمله به‌ویژه به این خاطر نگران‌کننده است که کلینیک شیخ رضوان یکی از مراکز بهداشت و درمان است که والدین می‌توانند در آنجا کودکان خود را واکسینه کنند.»

این حمله در حالی صورت گرفته که هنوز وقفه انسان‌دوستانه برقرار بوده و این در شرایطی است که اطمینان‌هایی داده شده بود که این وقفه از ساعت ۶ صبح تا ۴ بعدازظهر محترم شمرده خواهد شد.

پس از آن‌که سازمان بهداشت جهانی در ماه اوت سال جاری تأیید کرد که در یک مورد بی‌سابقه در ۲۵ سال گذشته در منطقه، یک نوزاد در غزه بر اثر ابتلا به ویروس فلج اطفال نوع دو به طور جزئی فلج شده است، امدادسازان کمپین واکسیناسیون فلج اطفال را از اول سپتامبر آغاز کردند. مرحله اول کمپین واکسیناسیون در اوایل سپتامبر با موفقیت به ۵۵۹ هزار کودک زیر ۱۰ سال رسید و توقف موقت درگیری‌ها از سوی گروه‌های فلسطینی و اسرائیل نقش بسیار مهمی در پیش‌برد کمپین ایفا کرد. در حالی که این وقفه‌های موقت عموماً در برخی مناطق غزه رعایت شد، گزارش‌هایی نیز از نقض آن و حملات هوایی اسرائیل که منجر به کشته شدن فلسطینیان در مناطق دیگر شد نیز منتشر شده است.

مرحله دوم این کمپین روز شنبه آغاز شد، در شرایطی که ماه گذشته به دلیل حملات بی‌وقفه هوایی اسرائیل در شمال غزه، آوارگی گسترده فلسطینیان و عدم دسترسی به این منطقه، به تعویق افتاده بود. اسرائیل در ماه اکتبر به شدت کم‌کسانی به غزه را محدود کرد و تنها حدود یک‌سوم کمک‌های انسانی که در ماه قبل وارد این منطقه شده بود، اجازه ورود یافت.

به گفته کاترین راسل اسرائیل بارها با نقض اصول جنگ که بر خودداری از هدف‌قراردادن غیرنظامیان، تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی و حفاظت از کارکنان و وسایل نقلیه امدادسازان تأکید دارند، ده‌ها هزار کودک را به کام مرگ فرستاده است یا آن‌ها را زخمی و از خدمات حیاتی مورد نیاز برای بقا محروم کرده است.

ارتش اسرائیل حمله‌ای گسترده را از ۶ اکتبر در شمال غزه آغاز کرد و مدعی شد که این اقدام برای جلوگیری از تجدید قوای نیروهای حماس است. اما بسیاری از غیرنظامیان در این حملات کشته شده‌اند. ساکنان شمال غزه می‌گویند که نیروهای اسرائیلی بیمارستان‌ها و پناهگاه‌های آوارگان را محاصره کرده و مناطق مسکونی را هدف قرار داده‌اند.

آن‌ها که مدام که تحت دستورهای گسترده تخلیه قرار دارند می‌گویند احساس می‌کنند به دام افتاده‌اند زیرا به‌دلیل حملات بی‌وقفه اسرائیل جای امنی برای فرار وجود ندارد.

در لبنان نیز اسرائیل به حملات مرگبار خود و درگیری با حزب‌الله لبنان ادامه می‌دهد. آژانس بشردوستانه سازمان ملل (OCHA) در این رابطه گزارش داد که وضعیت مردم به دلیل دستورهای تخلیه اجباری اسرائیل برای ساکنان بعلبک شرقی و نبطیه جنوبی وخیم‌تر شده است و تخریب زیرساخت‌های حیاتی از جمله خدمات بهداشتی، در حملات اسرائیل به وخامت وضعیت دامن زده است.

آژانس بشردوستانه سازمان ملل، همچنین اعلام کرد که «وضعیت انسانی در لبنان به سطحی رسیده است که از شدت جنگ ۲۰۰۶ بین اسرائیل و حزب‌الله فراتر رفته است» و تعداد بیشتری از افراد کشته و آواره شده‌اند.

این بیانیه هم‌زمان با اعلام وزارت بهداشت لبنان منتشر شد که تعداد کشته‌شدگان حملات اسرائیل به این کشور را حداقل ۲۹۶۸ نفر اعلام کرد. طبق این گزارش ۱۳ هزار و ۳۱۹ نفر دیگر نیز زخمی شده‌اند. اسرائیل صدها هزار نفر را هم در لبنان آواره کرده است. دولت لبنان می‌گوید شمار آوارگان به حدود ۱/۵ میلیون نفر می‌رسد. سازمان بین‌المللی مهاجرت نیز در گزارشی تأیید کرده است که در لبنان دست‌کم ۸۴۲ هزار و ۶۴۸ نفر مجبور به ترک خانه‌های خود شده‌اند.

طبق گزارش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، جنگ ۲۰۰۶ منجر به کشته شدن ۱۱۹۱ نفر در لبنان شد و بیش از ۹۰۰ هزار نفر خانه‌های خود را ترک کردند.

در عین حال ارتش ایالات متحده آمریکا تائید کرد «بمب‌افکن‌های راهبردی امریکائی B-52 استراتوفورترس به خاورمیانه رسیده‌اند و از جناح پنجم پایگاه هوائی مینتوت در منطقه مسئولیت فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) در خاورمیانه و کشورهای اطراف مستقر شده‌اند.»

ایالات متحده که بزرگ‌ترین تامین‌کننده تسلیحات و متحد دیپلماتیک اسرائیل است، اعلام کرد که بمب‌افکن‌ها، جنگنده‌ها و هواپیماهای سوخت‌رسان و ناوشکن‌های دفاع موشکی بالستیک را به خاورمیانه اعزام کرده است. ژنرال پات رایدر، سخنگوی پنتاگون در این رابطه تلویحا ایران را تهدید کرد و گفت: «اگر ایران، شرکای آن یا گروه‌های نیابتی این لحظه را برای حمله به پرسنل یا منافع امریکائی در منطقه استفاده کنند، ایالات متحده هر اقدام ضروری را برای دفاع از مردم خود انجام خواهد داد.»

اسرائیل در باریکه غزه و لبنان کادر درمان و غیرنظامیان را هدفمند می‌کشد. وزارت بهداشت لبنان از کشته شدن شش پزشک در حملات اسرائیل خبر داد. در باریکه غزه هم دست‌کم ۴۵ تن دیگر به دست اسرائیل کشته شدند و بیمارستان اندونزی محاصره شد.

وزارت بهداشت لبنان پنج‌شنبه ۱۰ آبان- ۳۱ اکتبر در اطلاعیه‌ای گفت ارتش اسرائیل در چند حمله به گروه‌های غیرنظامی، شش پزشک را کشت و چهار تن دیگر را مجروح کرد. چهار تن از این پزشکان در یک حمله و دو تن دیگر نیز در حملات جداگانه اسرائیل کشته شدند.

بر اساس این اطلاعیه که خبرگزاری رسمی لبنان آن را منتشر کرد، اسرائیل یک خودرو امدادگر را هم در شهر سلع هدف قرار داد اما امدادگران «به شکل معجزه‌آسایی زنده ماندند.»

وزارت بهداشت لبنان سکوت جامعه بین‌المللی را نسبت به «وحشی‌گری» غیرقابل توجیه خواند.

اسرائیل از آغاز حملات به لبنان در دو ماه اخیر دست‌کم ۱۷۸ پزشک و امدادگر را کشته و ۲۷۹ تن از آنان را مجروح کرده است.

همچنین به گفته صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد، اسرائیل از چهارم اکتبر روزانه حداقل یک کودک را در لبنان کشته و ۱۰ کودک را مجروح کرده است.

اسرائیل به بهانه «حمله به زیرساخت‌های حزب‌الله» شمار زیادی از روستاهای جنوب لبنان را چندین مرتبه بمباران و موشکباران کرده است.

با این وجود، مصر، قطر و آمریکا می‌گویند که گفت‌وگوها برای دستیابی به آتش‌بس موقت در جریان است. جزئیات این طرح‌ها تا به حال منتشر نشده است اما بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل به صورت رسمی گفته است با هر طرحی برای توقف حملات و خروج از غزه مخالف است. حماس نیز گفته تنها با طرحی که موجب خروج کامل اسرائیل از غزه شود، موافق خواهد بود.

اسرائیل به تازگی ورود سازمان ملل متحد و آژانس‌های وابسته به آن را به اسرائیل ممنوع کرده است. سازمان‌های حقوق بشری به صورت مشخص اسرائیل را به جنایت جنگی، نسل‌کشی و پاک‌سازی ملی در باریکه غزه متهم کرده‌اند. این اتهام را آفریقای جنوبی در دیوان دادگستری بین‌المللی علیه اسرائیل مطرح کرده و به تازگی گفته است مستندات جدیدی برای اثبات نسل‌کشی در فلسطین را به دادگاه تحویل داده است.

با وجود هشدارهای بین المللی، امریکائی و اروپائی، اسرائیل دوشنبه ۱۴ آبان به طور رسمی اعلام کرد که قانون ممنوعیت فعالیت اژانس امداد و کار سازمان ملل برای آوارگان فلسطینی «آنروا» که در ۲۸ اکتبر در کنست تصویب شد را اجرا می‌کند.

به گزارش رسانه‌های اسرائیل، وزارت خارجه این کشور با ارسال نامه‌ای رسمی به سازمان ملل متحد، لغو توافقنامه این سازمان برای تنظیم عملیات «آنروا» در نوار غزه و کرانه باختری را اعلام کرد.

با این حال وزارت خارجه اسرائیل گفته است که تل‌آویو به همکاری با سایر سازمان‌ها و نهادهای سازمان ملل و دیگر سازمان‌های بشردوستانه برای اطمینان از ورود کمک‌ها به نوار غزه ادامه خواهد داد.

مقامات ارشد سازمان ملل طی چند روز گذشته هشدار داده‌اند که وضعیت در غزه، به‌ویژه در شمال، جایی که اسرائیل به حملات نظامی خود ادامه می‌دهد، «فاجعه بار» است.

روسای ارگان‌های سازمان ملل متحد، از جمله جویس مسویا، سرپرست هماهنگ کننده کمک‌های اضطراری، صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، برنامه جهانی غذا و سایر سازمان‌های امدادی، روز جمعه گذشته نیز در بیانیه‌ای هشدار دادند که «کل جمعیت فلسطینی‌ها در شمال نوار غزه به دلیل بیماری، قحطی و خشونت در خطر مرگ قریب الوقوع است.»

این ارگان‌ها تاکید کردند که کمک‌های بشردوستانه به دلیل محدودیت جهت دسترسی به منطقه، با حجم نیازها همخوانی ندارد و کالاهای اساسی نجات دهنده در نوار غزه در دسترس نیست.

ماه گذشته، دنی دانون، سفیر اسرائیل در سازمان ملل متحد، گفت که مشکل غزه مربوط به کمبود کمک نیست و اشاره کرد که سال گذشته بیش از یک میلیون تن کمک ارسال شده است. او حماس را به تحویل گرفتن کمک‌ها بشردوستانه متهم کرد. اما حماس ضمن رد این اتهامات، اسرائیل را مسئول کمبود تدارکات در نوار غزه دانست.

ایالات متحده در نامه‌ای به تاریخ ۱۳ اکتبر گذشته به تل‌آویو اطلاع داد که باید ظرف ۳۰ روز برای بهبود وضعیت نوار غزه اقداماتی را انجام دهد که طبق تضمین سازمان ملل تاکنون این اتفاق نیفتاده است.

همزمان چندین سازمان بشردوستانه اسرائیل را به اتخاذ سیاست قحطی در نوار غزه از زمان آغاز جنگ در ۷ اکتبر سال گذشته متهم کردند.

روابط اسرائیل و آنروا برای مدت طولانی متشنج بوده، اما از زمان آغاز جنگ غزه به شدت بدتر شده است.

اسرائیل بارها خواستار برچیده شدن این اژانس شده و برخی از کارمندان آن را به همکاری با حماس متهم کرد.

اواخر ماه گذشته، کنست اسرائیل با اکثریت قاطع، پیش نویس قانونی را تصویب کرد که به موجب آن «فعالیت‌های آنروا» در داخل اسرائیل، کرانه باختری و غزه ممنوع می‌شود، اقدامی که پیامدهای فاجعه باری بر شرایط انسانی در نوار دارد.

به گزارش یونیسف، موسسه خیریه کودکان سازمان ملل متحد، ۱۴۰۰۰ کودک در جنگ گشته شده‌اند.

جاناتان کریکس، سخن‌گوی یونیسف می‌گوید: «به‌طور روزافزون کودکان تاوان جنگ‌هایی را می‌دهند که هیچ نقشی در ایجاد آن‌ها ندارند.»

«بیش‌تر کودکانی که ملاقات کرده‌ام عزیزی را در شرایط هولناکی از دست داده‌اند.»

بنا بر برآورد سازمان ملل متحد کمابیش همه کودکان در نوار غزه، حدود یک میلیون کودک، نیاز به حمایت‌های روانی و عاطفی دارند.

دشوار است که با آنچه از سر گذرانده و مشاهده کرده و در جایی که گیر افتاده است کودکی مانند جولیا را خوشبخت نامید. کسی چه می‌داند در آینده در رویاها و خاطرات او چه باقی می‌ماند. اکنون آنچه او می‌داند این است که زندگی می‌تواند ناگهان به طور دهشتناکی به پایان برسد.

خوش اقبالی او در این میان خانواده‌ای است که در میان بمباران‌های هوایی، گلوله‌باران‌ها و گرسنگی و بیماری هر کاری که ممکن است برای حفاظت و نگهداری از او انجام می‌دهند.

مارگارت هریس سخن‌گوی سازمان جهانی بهداشت، روز جمعه ۱ نوامبر-۱۱ آبان، در جریان یک نشست خبری در ژنو، اعلام کرد: «سازمان جهانی بهداشت از افزایش حملات به کارکنان و مراکز بهداشتی و درمانی در لبنان عمیقاً نگران است.»

مارگارت هریس افزود: «ما همچنان بارها و بارها تاکید می‌کنیم که کارکنان و مراکز بهداشتی و درمانی را نباید هدف قرار داد.»

سخن‌گوی سازمان جهانی بهداشت آمار کادر درمان کشته شده در جریان حملات اسرائیل به مواضع حزب‌الله لبنان را «تکان‌دهنده» دانست و گفت: «این حملات ۱۰۲ کشته و بیش از ۸۳ مجروح در میان کارکنان بهداشت و درمان بر جای گذاشته است.»

مارگارت هریس با بیان اینکه «شمار حملات تائید شده ۵۵ مورد بوده است»، اظهار داشت که «تعداد واقعی کشته شدگان کادر درمان احتمالاً بیش‌تر از این آمار است زیرا بسیاری از کارکنان بخش بهداشت و درمان در زمانی خارج از حین انجام وظیفه کشته و زخمی شده‌اند.»

وی افزود: «دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی برای مردم در لبنان به ویژه در مناطقی که بیمارستان‌ها مورد حمله قرار گرفته‌اند، به شدت دشوار شده است.»

سخن‌گوی سازمان جهانی بهداشت در ادامه گفت: «بیمارستان‌ها مملو از تلفات هستند و سیستم بهداشتی تحت فشار زیادی قرار دارد.»

به گزارش خبرگزاری فرانسه، جنین پلاسخت هم‌هنگ‌کننده ویژه سازمان ملل برای لبنان نیز روز جمعه اظهار داشت که «میراث فرهنگی لبنان در پی حملات اسرائیل به شهرهای تاریخی صور و بعلبک که ویرانه‌های رومی ثبت شده در میراث جهانی یونسکو را در خود جای داده‌اند، در معرض خطر قرار گرفته است.»

او در پستی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «شهرهای باستانی دوره فنیقی که غرق در تاریخ هستند، در خطر عمیق تبدیل شدن به ویرانه‌ها قرار گرفته‌اند.»

هم‌هنگ‌کننده ویژه سازمان ملل برای لبنان تاکید کرد: «میراث فرهنگی لبنان نباید قربانی دیگری در این درگیری ویرانگر باشد.»

در ماه مه، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در یک نشست فوق‌العاده و اضطراری، با اکثریتی خیلی بزرگ از فلسطینی‌ها حمایت نمود و به شورای امنیت پیشنهاد کرد که مسأله پیوستن فلسطین به‌عنوان عضو کامل سازمان ملل متحد را «بانظر مساعد بازبینی» نماید. این امر در حالی بود که در ماه قبل از آن، ارتقاء سطح عضویت فلسطین و اعطای «حقوق و امتیازهای» جدید به آن با وتوی امریکا روبرو شده بود. بعد، در ماه سپتامبر، همین مجمع عمومی خواهان پایان گرفتن اشغال سرزمین‌های فلسطینی «در مدت ۱۲ ماه» شد. با این حال، در حالی که با آینده جنبش ملی فلسطین بازی می‌شود، اختلاف و تفرقه بین سازمان‌های اصلی فلسطینی به‌شکلی خاص زیان‌بار است، اگرچه این اختلاف‌ها محدود به ۷ اکتبر ۲۰۲۳ هم نیست. به‌نظر نمی‌آید که دیدارهای سازمان‌های مختلف فلسطینی در

مسکو در اول مارس و بعد در پکن در ۳۰ آوریل و پایان ژوئیه، به هدف تامین اتحاد در فکر کردن به پس از جنگ کمک کرده باشد.

در حالی که محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین اعتبار خود را کاملاً از دست داده و بنابر اعلام نتیجه یک نظرسنجی انجام شده توسط «مرکز فلسطینی سیاست و پژوهش» میزان محبوبیتش به ۱۴ درصد رسیده، شروع به کار دولتی تازه در ۱۴ مارس به ریاست محمد مصطفی، اقتصاددان، یکی از وفاداران به محمود عباس و از کارکنان پیشین بانک جهانی، مخالفت‌های شدیدی برانگیخته است. در پی این انتصاب، حماس در بیانیه‌ای از آن انتقاد نمود و آن را در تقابل با «وفاق ملی» دانست و گفت که این کار تنها به تفرقه‌های موجود بین فلسطینی‌ها دامن می‌زند. فتح هم در یک پاسخ تند به حماس یادآوری کرد که تصمیم یک‌جانبه آن در حمله ۷ اکتبر عامل بروز مشکلات کنونی است و حماس را به خدمت به «برنامه‌های بیگانگان» متهم نمود.

به دلیل فشارهای قبل از جنگ توسط حماس و اکنون پس از جنگ، هرچند نمی‌توان تجزیه و تحلیلی درباره احساس مردم فلسطینی غزه نسبت به حماس و رهبران آن داشت، اما می‌توان حدس زد که اکثریت مردم غزه با این جریان اسلامی مخالف باشند. مرگ یحیی سنوار پایان یک مرحله هست، اما به‌کلی پایان حماس نیست.

جامعه فلسطین با سرکوب در ابعادی بی‌سابقه از سال ۱۹۴۸ رودرو است، اما اکنون هیچ‌کدام از سازمان‌ها فلسطینی پاسخ‌گوی مردم فلسطین نیستند و هر کدام به بقای سازمانی و تشکیلاتی خود فکر می‌کنند. در عین حال ان حمایت بین‌المللی که بتواند افکار عمومی جهان را به حمایت از مردم فلسطین وادارد تا در سایه چنین حمایتی مردم فلسطین بتوانند به حق تعیین سرنوشت خود دست یابند نیز متأسفانه ضعیف است. در این میان، بحث از دولت فلسطین یا درهواست و معلوم نیست این دولت در کجا و با چه حمایت مردمی تاسیس خواهد شد؟



تاثیر جنگ اسرائیل با جمهوری اسلامی ایران و نیابتی‌هایش به اقتصاد آن کشور!

اسرائیل درگیر طولانی‌ترین جنگ تاریخ خود است. این جنگ با کشته‌شدن ۸۰۰ غیرنظامی و ۸۰۰ سرباز تاثیر عمده‌ای بر جامعه اسرائیل گذاشته و تا به امروز هزینه هنگفت ۶۶ میلیارد دلاری روی دست تل‌آویو گذاشته است. آیا تاثیرات اقتصادی این جنگ «هفت جبهه‌ای» به همین هزینه محدود است؟ اسرائیل چگونه از پس آن برمی‌آید؟

دولت اسرائیل در اوایل ماه نومبر بودجه سال ۲۰۲۵ را که بزرگترین بودجه تاریخ این کشور است، تائید کرد. اسرائیل برای جنگ با جمهوری اسلامی ایران و نیروهای نیابتی آن چون حزب‌الله و حماس که اکنون بیش از ۴۰۰ روز از آن می‌گذرد، بهای سنگینی می‌پردازد و به گفته مقامات وزارتخانه‌های دفاع و دارائی، در بودجه مزبور ۱۰۲ میلیارد شِکِل (معادل

۲۰۲۷) میلیارد دلار برای هزینه‌های دفاعی در نظر گرفته شده است که این رقم می‌تواند تا ۱۵۰ میلیارد دلار (معادل ۱۰۴۰) میلیارد دلار افزایش یابد.

استبان کلور، استاد اقتصاد دانشگاه عبری اورشلیم و محقق ارشد موسسه مطالعات امنیت ملی با حضور در پادکست «امنیت ملی» شبکه خبری آی ۲۴ اسرائیل به تحلیل تاثیر اقتصادی رویارویی چند جانبه اسرائیل با جمهوری اسلامی ایران و نیابتی‌هایش بر اقتصاد دولت یهودی پرداخت.

به گفته کلور، اقتصاد اسرائیل در سال ۲۰۲۲ قدرتمند بود. ذخایر این کشور در آن سال به ۲۰۰ میلیارد دلار می‌رسید و نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی بسیار پائین بود. همچنین اسرائیل در سال ۲۰۲۲ بیکاری ۵.۳ درصدی تورم ۸.۳ درصدی را تجربه کرد.

با این حال ۲۰۲۳ سال عدم قطعیت اقتصادی اسرائیل بود. اعتراضات به اصلاحات نظام قضائی تاثیرات منفی را بر اقتصاد این کشور گذاشت و بازارهای مالی و بخش فناوری پیشرفته با نواساناتی مواجه بودند. با این حال اسرائیل همچنان در شروع جنگ با حماس در ماه اکتبر از نظر اقتصادی بسیار قوی بود.

تورم و افزایش هزینه زندگی

به گفته کلور وضعیت اقتصادی اسرائیل با شروع جنگ دگرگون شد. با توجه به این که راه‌های تجارت اسرائیل به خصوص در زمینه کالا و انرژی بیش‌تر از طریق دریاست و همین مسأله این کشور را از نظر اقتصادی شبیه به یک «جزیره» کرده است، تحریم‌های اعمال شده از سوی کشورهایمانند ترکیه به دلیل جنگ غزه منجر به اختلال در واردات و چرخه تامین و در نتیجه افزایش هزینه‌ها شده است. همچنین تورم اسرائیل در مقایسه با اکثر کشورهای غربی در بالاترین سطح قرار داد. (منبع: یورو نیوز)

استبان کلور گفت: «ما در رکود هستیم و چشم‌انداز سال ۲۰۲۵ هم خوب به نظر نمی‌رسد.»

اختلال در بازار کار

به گفته کلور ۳۰۰ هزار نیروی ذخیره ارتش در حال حاضر برای جنگ در جبهه‌ها فراخوانده شدند. این میزان به‌معنای ۱۰ درصد نیروی کار اسرائیل است. چنین کسری نیروی کاری تاثیر بسزائی در تولید، به خصوص در ماه‌های اولیه جنگ گذاشت و روند بازسازی بسیار کند پیش می‌رود.

کلور گفت: «حدود ۱۰ درصد از نیروی کار ما در ارتش حضور دارند و این ضربه شدیدی به تولید و اقتصاد اسرائیل وارد می‌کند.»

همچنین، مجوز کار حدود ۱۲۰ هزار کارگر فلسطینی که از کرانه باختری برای کار به اسرائیل می‌آمدند در نتیجه جنگ لغو شده که تاثیرات بسزائی بر روی بخش‌های کشاورزی و ساخت و ساز گذاشته است. این تاثیرات شامل افزایش هزینه سبزیجات و میوه‌جات و تاخیر در انجام پروژه‌های زیرساختی و همچنین افزایش قیمت مسکن شده است.

رشد منفی تولید ناخالص داخلی

به گفته آقای کلور بنابر آمار ثبت شده، رشد تولید ناخالص داخلی اسرائیل در سال ۲۰۲۳ و در سه ماهه نخست سال ۲۰۲۴ منفی بوده و انتظار می‌رود که در سه ماهه چهارم سال جاری نیز منفی باشد.

به گفته او، آینده تولید ناخالص داخلی اسرائیل در سال ۲۰۲۵ به عواملی چون مدت زمان جنگ، شدت درگیری‌ها و سیاست‌های آینده دولت وابسته است و اگر تغییر عمده‌ای در آن‌ها ایجاد نشود، روند رشد منفی تولید ناخالص داخلی احتمالاً ادامه خواهد یافت.

عدم ثبات و قطعیت برای جذب سرمایه خارجی

به گفته کلور، یکی از اصلی‌ترین چالش‌هایی که اسرائیل به دلیل جنگ کنونی با آن مواجه است، بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران خارجی به دلیل عدم ثبات و قطعیت وضعیت اسرائیل است.

جنگ طولانی مدت، سرمایه‌گذاران خارجی را نسبت به سرمایه‌گذاری طولانی مدت در اسرائیل مایوس کرده و همین امر باعث افزایش بدهی‌های دولت و تضعیف اعتماد به اقتصاد این کشور شده است.

برغبتی شرکت‌های خارجی به سرمایه‌گذاری در منطقه‌ای جنگ‌زده، توانایی اسرائیل را در جذب سرمایه در بخش‌های فناوری و پروژه‌های زیرساختی متاثر کرده است. همچنین گسترش جنگ به مناطق خارج از غزه چون لبنان و اخیراً سوریه به این بی‌اعتمادی‌ها دامن زده است.

کلور گفت: «گسترش جنگ با افزایش عدم قطعیت، رغبت سرمایه‌گذاران بین‌المللی را برای سرمایه‌گذاری در اسرائیل متاثر کرده است.»

درگیری مستقیم با جمهوری اسلامی ایران

ربع چهارم سال ۲۰۲۴ با گسترش درگیری مستقیم میان اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران و همچنین حزب‌الله لبنان همراه بود. این گسترش درگیری‌ها هزینه‌های اسرائیل را چه از لحاظ عملیات نظامی و چه از لحاظ پیامدهای اقتصادی گسترده تر، افزایش داده است.

این هزینه‌ها شامل افزایش تعداد نیرو و تجهیزات درگیر از جنگ و همچنین افزایش فشار اقتصادی حاصل از اختلال در تجارت و واردات است. زیرا مسیرهای دریایی اسرائیل که شریان اصلی تجارت این کشور هستند از سوی جمهوری اسلامی ایران و نیروهای نیابتی آن چون حوثی‌های یمن با تهدید پیوسته مواجه است.

این امر باعث شده که بسیاری از شرکت‌های کشتیرانی و بیمه رغبت کمتری به همکاری با اسرائیل و کشتی‌های عازم این کشور داشته باشند.

به‌علاوه، چنین گسترش درگیری اثرات بلند مدتی هم بر اقتصاد اسرائیل گذاشته است. این رویارویی، ابهامات کلی پیرامون ثبات اقتصادی اسرائیل را تشدید کرده و منجر به افزایش اتکای دولت به استقرار و افزایش نرخ بهره شده است. همچنین نگرانی‌ها را راجع به بازپس دادن بلند مدت بدهی‌های اسرائیل و اسرائیلی‌ها افزایش داده است.

از سوی دیگر تشدید تنش‌ها، اسرائیل را مجبور کرده است که هزینه‌های دفاعی را در اولویت و سرمایه‌گذاری‌های حیاتی در زیرساخت‌ها، آموزش و سرمایه انسانی را در رده‌های بعد قرار دهد. این امر می‌تواند مانع از بهبود اقتصادی این کشور کوچک در دوران پسا جنگ شود.

مقایسه هزینه‌ای جنگی اسرائیل و ایران

جمهوری اسلامی در دو عملیات که آن‌ها را «وعده صادق ۱ و ۲» نامید حدود ۳۵۰ موشک به سمت اسرائیل شلیک کرد که برآوردها نشان می‌دهد مجموع هزینه آن‌ها ۱۳۸ هزار میلیارد تومان شده است. بازارساز ایران با تزریق سنگین ارز به بازار، قیمت دلار را به شکل مصنوعی پائین نگه داشته است ولی بازار سرمایه قفل شده و صف‌های فروش طولانی را تجربه می‌کند. اما کدام کشور تاب آثار اقتصادی جنگ را دارد و کدام زودتر از پا در می‌آید؟ ایران که از تامین نیازهای اولیه شهروندان هم ناتوان است یا اسرائیلی که همزمان در یک جبهه دیگر می‌جنگد؟ آیا می‌توان هزینه حدودی جنگ احتمالی ایران و اسرائیل را حساب کرد؟ این پرسشی‌ست که این روزها با بالا گرفتن تنش بین این دو کشور برای بسیاری پیش آمده است. بودجه نظامی ایران چقدر است؟

بودجه نظامی جمهوری اسلامی ایران

مقایسه بودجه نظامی ایران و اسرائیل نخستین روشی است که می‌توان با آن توان نظامی دو کشور را محک زد. بر اساس لایحه بودجه ارائه شده از سوی دولت ایران به مجلس، بودجه نظامی ایران در سال ۱۴۰۳-۲۰۲۴ میلادی، ۴۷۰ هزار میلیارد تومان است. این رقم شامل بودجه وزارت دفاع، نیروهای مسلح، و سازمان‌های مرتبط است. البته تنها این نیست؛ قرار شده تا ۱۳۴ هزار میلیارد تومان هم برای تقویت بنیه دفاعی به ستاد کل نیروهای مسلح پرداخت شود.

برای نمونه، برخی از بخش‌های مهم بودجه نظامی ایران به این شکل است:

-تامین اجتماعی نیروهای مسلح: ۱۳۲ هزار میلیارد تومان

-سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: ۱۲۵ هزار میلیارد تومان

-نیروی انتظامی: ۸۷ هزار میلیارد تومان

-ارتش جمهوری اسلامی ایران: ۶۷ هزار میلیارد تومان

-وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح: ۴۸ هزار میلیارد تومان

-ستاد کل نیروهای مسلح: ۶ هزار میلیارد تومان

-قرارگاه فرهنگی جهادی بقیه‌الله: ۳ هزار میلیارد تومان

با احتساب دلار ۶۰ هزار تومانی بودجه نظامی ایران چیزی حدود هشت میلیارد دلار است، اما در سوی مقابل براساس برآورد موسسه جهانی صلح استکهلم، بودجه نظامی اسرائیل در سال ۲۰۲۴ حدود ۲۴/۳ میلیارد دلار تخمین زده شده است؛ این یعنی بودجه نظامی اسرائیل حداقل سه برابر بزرگتر از بودجه نظامی ایران است. این در شرایطی است که مساحت ایران یک میلیون و ۶۰۰ هزار کیلومتر مربع است و مساحت اسرائیل تنها ۲۲ هزار کیلومتر مربع؛ یعنی کشوری که ۷۵ بار از ایران کوچکتر است بودجه نظامی سه برابر ایران دارد. در حالی که بررسی جنگ‌های جاری جهان می‌تواند دریچه‌ای به هزینه‌های روزانه جنگ بین ایران و اسرائیل باشد.

سیامک جوادی، مدرس و پژوهش‌گر اقتصاد مالی در دانشگاه تگزاس می‌گوید: «فوریه گذشته رویترز به نقل از پنتاگون برآورد کرده بود که روسیه برای جنگ چیزی حدود ۲۱۱ میلیارد دلار هزینه مستقیم داده است. در سوی دیگر جنگ اسرائیل با حماس روزی ۲۲۰ میلیون دلار برای اسرائیل هزینه داشته است. وال‌استریت ژورنال در یک گزارش خبر داده که احتمالاً این جنگ تا پایان سال ۲۰۲۵، ۵۰ میلیارد دلار هزینه خواهد داشت.»

هزینه‌های روزانه یک جنگ

تخمین هزینه‌های روزانه یک جنگ احتمالی بین ایران و اسرائیل به دلیل پیچیدگی‌های بسیاری از عوامل، از جمله نوع و شدت درگیری، نوع تسلیحات مورد استفاده و واکنش‌های بین‌المللی بسیار دشوار است. با این حال، بر اساس برخی معیارهای مشابه از جنگ‌های در جریان و هزینه‌های نظامی این دو کشور، می‌توان تخمین‌هایی ارائه کرد. هرچند پیش از این برآورد باید این نکته را شفاف کرد که اولاً اسرائیل حمایت همه‌جانبه آمریکا و غرب را در مقابله با ایران دارد، در حالی که ایران متحد مستقیمی ندارد. دوماً اسرائیل پیش‌تر سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای بر تجهیز، نوسازی و بهسازی ادوات نظامی کرده است، در حالی که به نظر می‌رسد ایران با تجهیزات و تکنولوژی فرسوده به یک جنگ از پیش باخته می‌رود.

در هزینه‌های مستقیم، ایران حملات موشکی و پهپادی خواهد داشت که هزینه هر موشک بالستیک یا کروز می‌تواند بین یک تا سه میلیون دلار باشد. استفاده از پهپادها و هواپیماهای جنگی می‌تواند در هر پرواز می‌تواند چند صد هزار دلار هزینه داشته باشد.

در سوی مقابل اسرائیل است که وضعیت اعداد و ارقام درباره آن روشن‌تر است؛ چرا که در جنگ با حماس است. هر موشک رهگیر سیستم دفاع موشکی آن موسوم به گنبد آهنین حدود پنجاه هزار دلار هزینه دارد. در صورت حملات گسترده، روزانه صدها موشک رهگیر مورد نیاز خواهد بود.

اسرائیل معمولاً از هواپیماهای پیشرفته‌ای مثل F-16 و F-35 استفاده می‌کند که هر پرواز آن‌ها هزینه‌های زیادی دارد.

مقایسه اقتصاد دو کشور

این اما همه ماجرا نیست؛ مقایسه تولید ناخالص ملی ایران و اسرائیل یک نماگر گویا از وضعیت اقتصادی دو کشور است: تولید ناخالص ملی ایران ۳۸۲ میلیارد دلار است در حالی که جی‌ان‌پی اسرائیل ۱/۵ برابر بیشتر از ایران و حدود ۵۴۰ میلیارد دلار.

این عدد درباره تولید ناخالص داخلی هم تقریباً در همین محدوده نوسان می‌کند. در سال ۲۰۲۳ جی‌دی‌پی ایران ۳۶۰ میلیارد دلار بوده، در حالی که تولید ناخالص داخلی اسرائیل ۵.۱ برابر بیشتر و ۵۲۱ میلیون دلار بوده است. سرانه تولید ناخالص ملی ایران چهار هزار دلار است اما همین عدد برای اسرائیل ۱۳/۵ برابر ایران یعنی ۵۴ هزار دلار است. نرخ تورم در ایران در محدوده ۳۵ درصد نوسان می‌کند ولی در اسرائیل کمتر از سه درصد است. نرخ بیکاری در ایران حدود ۱۰ درصد است اما در اسرائیل نزدیک به چهار درصد است.

به گفته سیامک جوادی، اقتصاددان «موضوع دیگر در اقتصاد جنگ شوک از بین رفتن ثبات است. بازارهای پولی و مالی با شوک‌های عدم ثبات (uncertainty) با شرایط جنگی مثل کارد و پنیر است. وقتی اقتصاد با جنگ مواجه می‌شود شرایط شدید بی‌ثباتی رخ می‌دهد که در نتیجه بازارهای مالی کشورهای درگیر و شرکای تجاری‌شان تحت تأثیر قرار بگیرند.» او ادامه می‌دهد: «پس از آن هم موضوع تاب‌آوری اقتصادی کشورهای درگیر است که آن هم به زیرساخت‌های اقتصادی کشورهای درگیر مربوط است. آیا ایران آنقدری زیرساخت‌های قوی دارد که بتواند تبعات یک جنگ را کنترل کند؟ جواب به‌طور قطع نه است. در سوی مقابل اقتصاد اسرائیل است که زیرساخت‌ها و در نتیجه تاب‌آوری خوبی مقابل تحریم‌ها داشته است. در حالی که در ایران تنها چندصد میلیارد دلار نیاز است که پتروشیمی‌ها نوسازی شوند. در چنین شرایطی زیرساخت‌های کشور اسرائیل در وضعیت بسیار خوبی به سر می‌برند و به نظر می‌رسد که جنگ نمی‌تواند آن‌ها را کم‌کار کند.»

جنگ یک پروژه تمام عیار اقتصادی است

استاد دانشگاه Rio Grande Valley در تگزاس توضیح می‌دهد: «ناترازی اقتصاد ایران را می‌توان به بخش‌های مختلف تعمیم داد و در صورتی که جنگ شود به سرعت روی سوبسیدی که دولت به بخش‌های مختلف می‌داده تأثیر خواهد گذاشت و یک تورم جدی در اقتصاد ایران رخ خواهد داد.»

جوادی می‌گوید: «از سوی دیگر قسمت بزرگ مشکل جمهوری اسلامی این است بزرگ‌ترین بخش درآمدش از محل نفت است. با وجود جنگ امکان فروش نفت از بین خواهد رفت. سرمایه‌گذاری خارجی در صورت وجود جنگ یا حتی احتمال جنگ به شدت محدود خواهد شد. در شرایط جنگی منابع باید از سمت بخش‌های دیگر به سوی بودجه‌های نظامی و جنگ سرازیر شود و این به زودی اقتصاد ایران را فلج خواهد کرد.»

به گفته این اقتصاددان «ذخایر ارزی بانک مرکزی اسرائیل ۲۱۳ میلیارد دلار است و ناگفته پیداست که منابع جمهوری اسلامی غیر قابل مقایسه با این اعداد است. در نتیجه بعید است که نرخ بیکاری افزایش پیدا کند، بلکه ایالات متحده و کشورهای غربی هم به آن‌ها کمک خواهند کرد که نرخ تورم و بیکاری کنترل شود. در مقابل ایران است که هیچ سپری مقابل شوک‌های جدید ندارد.»

به گفته جوادی «گذشته از بُعد نظامی، جنگ یک پروژه تمام عیار اقتصادی است؛ جنگ پول می‌خواهد و با جیب خالی نمی‌توان به جنگ رفت.»

در حالی که ذخایر ارزی و پشتیبانی‌های بین‌المللی می‌تواند به اسرائیل کمک کند تا تبعات اقتصادی جنگ را تحمل کند، ایران با مشکلات بی‌سابقه‌ای مواجه خواهد شد که می‌تواند به فروپاشی اقتصادی کشور منجر شود. آینده‌ای که نتیجه آن نه تنها بر دو کشور، بلکه بر کل منطقه و جهان تاثیرگذار خواهد بود.



جمهوری اسلامی ایران بودجه نظامی‌اش را ۳ برابر افزایش داد!

افزایش قابل توجه هزینه‌های نظامی در خاورمیانه منعکس تحولات منطقه است که از جنگ اسرائیل در نوار غزه و تبادل آتش در جنوب لبنان تا آتش حوثی‌ها در دریای سرخ را در بر می‌گیرد و نگرانی‌ها از احتمال تسری آن به کل منطقه و ورود ایران به جنگ علیه اسرائیل را بیشتر می‌کند.

کمیسیون تلفیق مجلس ایران روز دوشنبه هفتم آبان ۱۴۰۳، کلیات لایحه بودجه این کشور در سال ۱۴۰۴ را تصویب کرد. در سال‌های اخیر، سهم هزینه‌های نظامی اختصاص یافته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دست‌کم از سال ۲۰۱۹ به بعد رو به افزایش بوده است.

در همین خصوص، فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت اسلامی ایران روز سه‌شنبه اعلام کرد که در لایحه بودجه دولت که برای سال آینده به مجلس ارائه شده است مبلغ تخصیص یافته به نیروهای نظامی حدود ۲۰۰ درصد افزایش یافته است. این یعنی این‌که ایران بودجه نظامی‌اش را ۳ برابر می‌کند.

در پی حمله هوایی اسرائیل به ایران، مقامات ایرانی بار دیگر بر حق پاسخ ایران به اسرائیل تاکید کردند. علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، یک روز پس از حمله اسرائیل به ایران، گفته بود که «باید خطای محاسباتی رژیم صهیونیستی به هم بخورد. باید قدرت و اراده و ابتکار ملت ایران و جوانان کشور را به آنان فهماند.» خامنه‌ای افزود: «کیفیت فهماندن قدرت و اراده ملت ایران به رژیم صهیونیستی را باید مسئولان تشخیص دهند و آنچه را که صلاح این ملت و کشور است انجام گیرد.»

این یعنی این‌که چیزی از نگرانی‌های جهانی نسبت به احتمال گسترده‌تر شدن جنگ کم نشده است.

بودجه مستقیم نیروهای مسلح، از جمله وزارت دفاع، ارتش، سپاه پاسداران و نیروی انتظامی در لایحه بودجه سال گذشته ۷۲۲ هزار میلیارد تومان (همت) بود که با توجه به نرخ تعریف شده دلار در بودجه آن سال (بین ۳۳ هزار تومان تا ۴۶ هزار تومان) میتوان بودجه نظامی ایران را بین ۱۵/۷ تا ۲۱/۸ میلیارد دلار تخمین زد. اعتبارات نهادهای نظامی در قانون بودجه سال ۱۴۰۲ نیز در مجموع ۵۲۵ هزار میلیارد تومان بود.

با این تفصیل، بودجه تخصیص یافته به نیروهای نظامی ایران در سال آینده احتمالاً چیزی در حدود ۲۱۶۶ میلیارد تومان خواهد بود.

براساس آمارهای اعلامی لایحه بودجه، درآمدهای دولت که عمده آنها شامل درآمدهای مالیاتی خواهد بود، ۴۴ درصد افزایش یافته است. بررسی‌های نشان می‌دهد که دولت حدود هزار همت از منابع لایحه را از محل استقراض تامین خواهد کرد که در حکم کسری بودجه است.

حرکت به سمت اصلاحات اقتصادی و کاهش هزینه‌ها می‌تواند کمی از شدت کسری بودجه بکاهد. همچنین همزمان با آغاز به کار دولت چهاردهم در تابستان سال جاری، بحث‌های مربوط به اصلاح قیمت حامل‌های انرژی از جمله قیمت بنزین دوباره بر سر زبان‌ها افتاده است.

در لایحه بودجه ۱۴۰۴ از محل صادرات نقدی نفت خام، میعانات گازی و خالص صادرات گاز طبیعی مجموعاً ۳۵ میلیارد دلار درآمد دیده شده است که از این مقدار ۳۷/۵ درصد آن سهم دولت است.

مژگان خانلو، سخن‌گوی لایحه بودجه ۱۴۰۴ روز دوشنبه درباره نرخ تورم سال آینده به خبرنگاران توضیح داد: «با توجه به تحولات شاخص‌های دیگر اقتصاد کلان و در صورتی که اتفاق ناآشناسی رخ ندهد پیش‌بینی سازمان برنامه و بودجه این است که نرخ تورم سالانه ۳۰ درصد خواهد شد.»

بر اساس تازه‌ترین سالنامه هزینه‌های نظامی جهان که توسط موسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم (SIPRI) که بر پایه آمارهای رسمی و دولتی کشورهای مختلف جهان حاصل می‌شود، جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۲۳ مبلغ ۱۰ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار صرف هزینه‌های نظامی کرده است. (اختلاف عددها به علت اختلاف نرخ برابری ریال در برابر دلار است) این عدد نسبت به سال ۲۰۲۲ شش دهم درصد افزایش یافته است. بر اساس اعلام این موسسه، میزانی که ایران برای هزینه‌های دفاعی خرج کرده معادل ۱.۲ تولید ناخالص داخلی کشور بوده است.

مهاجرانی، سخن‌گوی دولت مسعود پزشکیان با بیان این‌که در لایحه بودجه سال آتی به نیامندی‌های دفاعی کشور «توجه ویژه‌ای» شده است، گفت: «در این راستا، افزایش قابل توجهی بالغ بر ۲۰۰ درصدی در بودجه نظامی کشور مشاهده می‌شود.»

او بدون اشاره به جزئیات بیشتر اضافه کرد که دولت امیدوار است نیروهای نظامی «با این مبلغ بتوانند نیازهای خود را تامین کنند.»

۹ درصد رشد جهانی بودجه نظامی

درگیری‌ها و ناآرامی‌های خاورمیانه و جنگ جاری روسیه در اوکراین بیشترین افزایش هزینه‌های نظامی منطقه‌ای را که در یک دهه گذشته منجر شده است. تخمین زده می‌شود که هزینه‌های نظامی در خاورمیانه در سال ۲۰۲۳ با ۹ درصد رشد به ۲۰۰ میلیارد دلار رسیده باشد که بالاترین نرخ رشد سالانه منطقه را در ده سال گذشته نشان می‌دهد.

مجموع هزینه‌های نظامی جهان در سال ۲۰۲۳ میلادی به رقم ۲۴۴۳ میلیارد دلار (۲ تریلیون و ۴۴۳ میلیارد دلار) رسید که نسبت به سال ۲۰۲۲ به صورت واقعی برابر با ۶/۸ درصد افزایش داشت. این شدیدترین شیب افزایش سالانه از سال ۲۰۰۹ است.

بر اساس سالنامه موسسه سیپری در مورد هزینه‌های نظامی جهان، ۱۰ کشور از بزرگترین خرج‌کنندگان جهان در حوزه نظامی در سال ۲۰۲۳ - با صدرنشینی ایالات متحده آمریکا، چین و روسیه - همگی هزینه‌های نظامی خود را افزایش دادند.

مقایسه بودجه نظامی ایران با کشورهای منطقه

در منطقه خاورمیانه کشورهای عربستان سعودی، اسرائیل و ترکیه بیش از ایران در سال ۲۰۲۳ برای صنایع نظامی خرج کرده‌اند. عربستان با تخصیص ۷۵ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار نه تنها در منطقه خاورمیانه در رده نخست قرار دارد که حتی در جهان هم بعد از ایالات متحده آمریکا، چین، روسیه و هند در جایگاه پنجم ایستاده است.

بعد از عربستان این اسرائیل است که با صرف ۲۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار رشد ۲۴ درصدی را تجربه کرد و در جایگاه دوم در منطقه خاورمیانه و پانزدهم جهان ایستاد. این افزایش هزینه‌ها عمدتاً ناشی از حمله گسترده اسرائیل به غزه در پاسخ به حمله حماس در اکتبر ۲۰۲۳ به جنوب اسرائیل بود.

ترکیه هم با ۱۵ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار در رده بیست و دوم دنیا قرار دارد و باز هم بیش از ایران در امور نظامی هزینه کرده است.

رتبه ایران در رده‌بندی ۲۰۲۳ جهان نسبت به سال ۲۰۲۲ هفت رده بالاتر رفته و از جایگاه ۳۳ به رده ۲۶ رسیده بود. پیش‌بینی می‌شود که رشد ۳ برابری بودجه نظامی ایران می‌تواند جایگاه این کشور را در این رتبه‌بندی به طرز قابل توجهی ارتقا دهد.

سهم ایران در کل هزینه‌های تسلیحاتی در جهان در سال ۲۰۲۳ حدود چهار دهم درصد بوده است. این در حالی است که عربستان سعودی، اسرائیل و ترکیه به ترتیب سهمی ۳/۱، ۱/۱ و شش دهم درصدی از کل هزینه‌کرد در صنایع نظامی در سال ۲۰۲۳ جهان داشته‌اند.

نشریه نیویورک تایمز آمریکا روز پنجشنبه ۲۴ اکتبر -۳ آبان، به نقل از مقامات ایرانی گفته است که تهران چندین طرح نظامی از جمله شلیک تا ۱۰۰۰ موشک بالستیک و تشدید حملات گروه‌های شبه‌نظامی نیابتی در منطقه را برای پاسخ به حمله اسرائیل آماده کرده است.

سهم سپاه پاسداران در کل هزینه‌های نظامی ایران در سال ۲۰۱۹ حدود ۲۷ درصد بوده اما این میزان در سال ۲۰۲۳ به ۳۷ درصد افزایش یافته است.

پیش‌تر نگرانی‌هایی وجود داشت که ایران ممکن است حمایت خود از نیروهای نیابتی خود در منطقه از جمله در عراق و یمن و لبنان بیشتر کند.



جروزالم پست: نظامیان اسرائیل برای حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران به اجماع رسیده‌اند

احتمال اقدام نظامی اسرائیل علیه برنامه هسته‌ای ایران

یک منبع ارشد دفاعی در اسرائیل، اعلام کرده است که احتمال اقدام نظامی علیه برنامه هسته‌ای ایران به‌طور قابل توجهی وجود دارد.

به گزارش جروزالم پست این مقام تصریح کرده است که شرایط کنونی فرصتی «طلایی» برای هدف قرار دادن و از کار انداختن تاسیسات هسته‌ای ایران پیش روی اسرائیل قرار داده است. به گفته این منبع که نامی از وی برده نشده، اگرچه اسرائیل در روز ۲۶ اکتبر به تاسیسات هسته‌ای ایران حمله نکرد اما احتمال وقوع این حمله در آینده بیشتر از هر زمان دیگری وجود دارد. منبع ارشد نظامی اسرائیل که جروزالم پست اظهارات وی را بازتاب داده، تصریح کرد: «این اولین بار طی سال‌های متمادی است که دو شرط «ضروری» و «ممکن» برای حمله به برنامه هسته‌ای ایران مهیا شده است.»

اجماع کلی تشکیلات دفاعی اسرائیل درباره اقدام نظامی علیه برنامه هسته‌ای ایران

به گفته این منبع، برخلاف سال ۲۰۰۹ که بخش زیادی از اعضای تشکیلات دفاعی اسرائیل با پیشنهاد بنیامین نتانياهو برای ضربه زدن به برنامه هسته‌ای ایران مخالف بودند، اکنون کل این سیستم بر سر چنین حمله‌ای به اجماع رسیده‌اند.»

وی مدعی شد که با توجه به این اتفاق نظر، تشکیلات دفاعی اسرائیلی بیش از هر زمان دیگری روی مسائل عملی برای کسب آمادگی لازم جهت انجام چنین حمله‌ای تمرکز کرده است.

این مقام دفاعی با رد دیدگاهی که تصمیم دولت اسرائیل برای هدف قرار ندادن برنامه هسته‌ای ایران در حمله ۲۶ اکتبر را یک فرصت طلایی از دست رفته می‌داند، بر اهمیت دقت در فرآیند تصمیم‌گیری تأکید کرد.

در عوض، این منبع نظامی اعلام کرد که فرصت طلایی برای این حمله باقی است و همچنان برای مدتی وجود خواهد داشت زیرا مهم‌ترین سامانه‌های دفاع هوایی ایران نابود شده و «سپرهای» نیابتی این کشور، مانند حزب‌الله و حماس، به طور نسبی تا حد زیادی تضعیف شده‌اند.

وی ایالات متحده را یک عامل کلیدی در این میان خواند و گفت: مهم‌ترین موضوعی که اسرائیل باید برای حمله به ایران در آینده به آن توجه کند، بهبود مداوم قابلیت‌های (دفاعی) خود است.

یک اقدام محتمل؟

یسرائیل کاتس، وزیر دفاع اسرائیل ۱۱ نومبر گذشته در سخنانی اعلام کرده بود که شرایط دیپلماتیک، عملیاتی و تاکتیکی برای حمله به برنامه هسته‌ای ایران هرگز تاکنون به این اندازه شدنی، واقع‌گرایانه و محتمل نبوده است.

وی همچنین تأکید کرد که دو حمله قبلی اسرائیل به ایران در سال جاری که در واقع حملاتی تلافی‌جویانه پس از تهاجم موشکی گسترده تهران به اسرائیل در تاریخ‌های ۱۳ و ۱۴ آوریل و ۱ اکتبر بود، نشان داده است که نیروی هوایی اسرائیل تا چه میزان نسبت به پیشرفته‌ترین سیستم‌های دفاع هوایی جمهوری اسلامی برتری دارد.

وزیر دفاع اسرائیل افزود: «فرصتی برای دستیابی به مهم‌ترین هدف، یعنی خنثی‌سازی و از بین بردن تهدید نابودی که بر سر اسرائیل سایه افکنده بوجود آمده است... امروزه، اجماع گسترده‌ای در میان نهادهای دفاعی و ملی وجود دارد که باید برنامه هسته‌ای ایران را خنثی کنیم و این درک وجود دارد که چنین کاری نه تنها از طریق اقدامات امنیتی، بلکه از طریق دیپلماسی نیز امکان‌پذیر است.»

با وجود بیانیته اظهارات کاتس که به امکان حمله به برنامه هسته‌ای ایران اشاره دارد، بسیاری از مقامات اسرائیلی، از جمله نفتالی بنت و یائیر لاپید، نخست‌وزیران پیشین این کشور پیش‌تر خواستار اقدام نیروی هوایی اسرائیل برای حمله به قابلیت‌های هسته‌ای ایران در تاریخ ۲۶ اکتبر شده بودند.

این موضوع نشان‌دهنده ادامه بحث در میان رهبران اسرائیل درباره پاسخ مناسب به تهدید درک شده ناشی از برنامه هسته‌ای ایران است.

به گزارش جروزالم پست، دولت اسرائیل در عوض به نیروی هوایی این کشور دستور داد که در حمله ۲۶ اکتبر گذشته حدود ۲۰ سایت تولید موشک‌های بالستیک و سامانه‌های دفاع هوایی در ایران را هدف قرار دهند.

این در حالی‌ست که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب ایالات متحده پیش از انتخابات و قبل از حمله ۲۶ اکتبر به طور صریح به دولت اسرائیل پیشنهاد کرده بود که در پاسخ به حمله ۱ اکتبر ایران، به تأسیسات هسته‌ای این کشور حمله کند.

در حالی که ترامپ به‌طور نظری می‌تواند پس از تصدی سمت ریاست جمهوری در کشورش نظر و دیدگاه خود را تغییر دهد، اما تمام نشانه‌هایی که او حتی پس از انتخابات از خود بروز داده و بنا به گزارش جروزالم پست حکایت از موضعی سخت‌گیرانه در قبال ایران دارد، دولت نتانیاها را به وجد آورده است.

منبع دفاعی مورد استناد جروزالم پست در ادامه یادآور شد که اسرائیل علاوه بر این، به‌طور جدی در پشت پرده تلاش دارد تا کشورهای جهان را به حمایت از بازگرداندن تحریم‌های جهانی علیه ایران قبل از انقضای مکانیسم در اکتبر ۲۰۲۵ ترغیب کند.

انسپیک یا مکانیسم ماشه که در توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ وین گنجانده شده، به کشورهای امضاکننده این توافق (بدون امکان استفاده از حق وتو از سوی روسیه و چین) این فرصت را می‌دهد که تأیید کنند ایران به تعهدات خود عمل نکرده؛ در این صورت، تمامی تحریم‌های جهانی علیه ایران به طور خودکار دوباره به حالت قبلی خود پیش از سال ۲۰۱۵ بازمی‌گردند.

به گفته مقام دفاعی اسرائیل، این اقدام می‌تواند در جهت کنترل برنامه هسته‌ای ایران عمل کند اما به گفته وی حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران بهتر است، زیرا به جای محدود یا کند کردن این برنامه، آن را به کلی از بین می‌برد.

این در حالی‌ست که به باور برخی منتقدان چنین حمله‌ای، اسرائیل ممکن است از پس برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران برنیاید زیرا برخی از تأسیسات این برنامه زیر کوه احداث شده‌اند و حتی در صورت موفقیت، تنها یک یا دو سال آن را به تأخیر می‌اندازد.

منتقدان، همچنین تأکید دارند که ایران می‌تواند تأسیسات مورد حمله قرار گرفته را بازسازی کند. آن‌ها همچنین می‌گویند چنین حمله‌ای، ممکن است ایران را بیشتر به سوی دستیابی به سلاح هسته‌ای ترغیب کند.

نتیجه‌گیری

بیش یک سال از آغاز نسل‌کشی وحشیانه در نوار غزه، پس از جنایت هفتم اکتبر حماس در اسرائیل می‌گذرد. واقعه‌ای که چهره خاورمیانه را تغییر داد. نوار غزه ویران شده و بیش از ۴۳۰۰۰ زن، مرد و کودک فلسطینی به قتل رسیده‌اند. میلیون‌ها نفر آواره، مجروح و دچار قحطی و بیماری شده و بیمارستان‌ها و مدارس و دانشگاه‌ها و اماکن عمومی با خاک یکسان شدند. در این یک سال، اسرائیل حملاتش را به کرانه باختری و پرتاب موشک به جنوب لبنان گسترش داده است. در چند هفته گذشته، نتانیاها حملاتش را علیه حزب‌الله و کشتن رهبران آن گسترش داده و ارتش اسرائیل وارد خاک لبنان شد و پس از ۲۰۰۶ برای اولین بار بیروت هدف بمباران قرار گرفت.

دو بار ایران و سه بار اسرائیل با موشک و پهپاد همدیگر را مورد هجوم قرار داده‌اند. اکنون جمهوری اسلامی ایران خودش را برای حمله (صادق ۳) به اسرائیل آماده می‌کند.

قتل عام مردم فلسطین که با حمایت امریکا و اتحادیه اروپا انجام می‌شود، در کشورهای غربی یک جنبش همبستگی با مردم فلسطین را به وجود آورده است. تا حدودی نقاط ضعف و قوت طرفین آشکارتر شده است.

نقش جمهوری اسلامی ایران و نیروهای به اصطلاح «محور مقاومت» در منطقه ضعیف‌تر شده است.

نقطه آغاز جمله اسرائیل به لبنان، انفجار «پیجرها» بود که بسیاری از ناظران غربی را در برابر «شاهکار تکنولوژیکی» از خود بی‌خود کرد. قربانیان، کشته‌ها، چهره‌های متلاشی شده، چشمان کور شده، عضوهای قطع شده و کاملاً از دست رفته، چه اهمیتی دارند. گوئی، انفجارها در سراسر جامعه رخ نداده که در این ره‌گذر، میلشیا و غیرنظامیان را به صورتی تفکیک‌ناپذیر کشته است. بالاین وجود، توسل به تله‌گذاری، نقض حقوق جنگی است، همان‌گونه که چندین کارشناس سازمان‌های امدادگر اعلام کردند.

این جنگ‌ها، ما را در عصر تاریکی فرو می‌برد که در آن، قانون‌ها، حقوق، پیش‌گیری از خطا، هر آن‌چه از فرورفتن انسانیت در وحشی‌گری جلوگیری می‌کرد، به‌طور منظم شکست خورده است. دورانی که یک طرف، تصمیم گرفته که آن دیگری را که «وحشی» اش می‌پندارد، نابود سازد. اگر از واژه‌های نتانیاهو استفاده کنیم، «دشمن‌های وحشی» که «تمدن یهودی-مسیحی» را تهدید می‌کند. نخست وزیر اسرائیل تلاش می‌کند غرب را در جنگ تمدن‌ها درگیر کند که بار مذهبی دارد، و اسرائیل خود را پیشگام آن در خاورمیانه می‌پندارد. و البته توفیقی نیز کسب کرده است.

دولت‌هایی که با تحویل مداوم اسلحه و مهمات به اسرائیل، با امتناع از شناسائی حق تعیین سرنوشت فلسطینیان و مقاومت در برابر اشغالی که «دیوان بین‌المللی دادگستری» غیرقانونی خوانده و حکم توقف آن را داده است - تصمیمی که شورای امنیت سازمان ملل متحد از اجرای آن خودداری می‌کند، این دولت‌ها در مورد اعمال نفرت انگیز دولت اسرائیل مسئولیت مستقیم دارند. عضوهای نهادهائی چون شورای امنیت سازمان ملل، اتحادیه اروپا، یا دولت‌های این کشورها قانون جنگلی را که اسرائیل تحمیل می‌کند در واقع نسل‌کشی و تنبیه دسته‌جمعی را تأیید می‌کنند.

دولت راست افراطی اسرائیل، بین برنامه‌های اخراج و بازداشت‌های خودسرانه گسترده برای فشار آوردن به مردم فلسطین، قصد دارد تکلیف سرنوشت آن‌ها را یک‌سره کند. سرنوشتی که از سال ۱۹۴۸ تاکنون، هرگز تا این حد مورد تهدید به نظر نرسیده است.

دولت اسرائیل تا کجا پیش خواهد رفت؟ اسرائیل که هنوز از تبدیل غزه به ویرانه و ارتکاب نسل‌کشی در آن، راضی نیست، با همان روش‌ها، با همان کشتارها، با همان ویرانی‌ها و با اطمینان از پشتیبانی پایان‌ناپذیر یاری‌کنندگان مالی غربی‌اش که این بار، همدست عملکرد او شده‌اند، عملیات خود را پس از لبنان مبه کدام کشور منطقه گسترش می‌دهد؟

با این همه، آیا کسانی که خواهان حمله اسرائیل و امریکا به ایران هستند آیا لحظه‌ای به وضعیت غزه و لبنان توجه کرده اند؟

آیا آن‌ها، کشتار کودکان غزه و نسل‌کشی اسرائیل انتقادی کرده‌اند؟

جواب به سادگی نه است!

سلطنت‌طلبان و رسانه‌هایی همچون تلویزیون انترنشنال، نه تنها همواره از نسل‌کشی و جنگ اسرائیل دفاع می‌کنند بلکه خواهان آن هستند که اسرائیل قطع کردن دست‌های اختاپوس را رها کند و مستقیماً سر اختاپوس را هدف قرار دهد. یعنی اسرائیل به ایران حمله کند و همان بلائی را که سر مردم و کودکان غزه و لبنان آورده است در ایران نیز

تکرار کنند و همزمان امریکا و اسرائیل سلطنت‌طلبان به قدرت برسانند! در حالی که اگر یک جنگ تمام عیار و همه‌جانبه‌ای بین دو حکومت فاشیستی مذهبی اسرائیل و ایران صورت گیرد بزرگترین قربانیان هر دو کشور شهروندان عادی خواهند بود نه حاکمان آن‌ها!

اکنون این سؤال مطرح است که آیا سناریوی یک جنگ همه‌جانبه‌تر به خصوص بین ایران و اسرائیل در حال طرح ریزی است؟ آیا نتانیاهو برای کم‌رنگ کردن حکم دادگاه لاهه علیه خودش، به ایران حمله خواهد کرد؟! احتمالاً جواب این سؤال‌ها را در روزها و هفته‌های آینده خواهیم گرفت.

جمعه دوم آذر - قوس - ۱۴۰۳ - بیست و دوم نومبر ۲۰۲۴